

احوال حضرت سیدنا جیدین علیهم السلام

رَسُولَ اللَّهِ وَبَرِيٍّ مَنزَلَهُ فِي الْجَنَّةِ بِرُكُوسٍ خَتَمَ نَابِدُ قُرَّانِ مَجِيدٍ رَادِرٌ كَمَا مَطَّرَهُ مِيرَدَارُ رَسُولِ خُدَايَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 دیدار نماید و منزل خویش را در بهشت جاوید بازگرد و هم در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق از علی بن
 الحسین سلام الله علیه مسطور است که فرمود: كَتَبْتُ بِمَكَّةَ أَفْضَلَ مِنْ خُرَاجِ الْعَرَبِينَ يَنْفُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِعَنِي
 قَوَابِلُ يَكْتَسِبُ فِيهَا مَغْزِيَةٌ بِرُكُوسٍ وَفَضْلٌ اسْتِزَانِكُمْ بِأَجْرٍ عَرَفْتُمْ رَادِرًا رَاهِ خُدَايَ انْفَاقًا نَمَانِد
 و دیگر در کتاب جامع الاخبار صدوق رضوان الله تعالی علیه از جناب زید بن علی از پدرش علی بن الحسین
 سلام الله علیه از پدر بزرگوارش حسین بن علی از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب از رسول خدا صلی
 الله علیه وآله همین مرویت که فرمود: لَوْ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا وَعَلَيْهِ مِثْلُ ذُنُوبِ قَبْلِ الْأَرْضِ
 لَكَانَ الْمَوْتُ كَهَارَةً لِنَيْلِكَ الذُّنُوبِ ثُمَّ قَالَ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِإِخْلَاصٍ فَهُوَ بَرِيٌّ مِنَ النَّارِ
 وَتَنْ خُرَجَ مِنَ الدُّنْيَا لَا يَتَّيَّنُ إِلَّا بِإِشْرَافِ اللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لِمَنْ شَرِكَ بِهِ
 وَبَعْدَ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ كَفَرَ مِنْ شَيْعَتِكَ وَجِيَّتِكَ يَا عَلِيُّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَلَّمَ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الشَّيْءُ قَالَ بَرِيٌّ رَبِّي أَنَّهُ لَشَيْعَتِكَ وَأَمَّا كَيْفَ جُؤُنُومٍ مِنْ قَبُورِهِمْ وَهُمْ يَقُولُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى ابِطَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فَيُؤْتُونَ مَخَلَّ خَضْرَاءَ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَكْلِيلٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَتِجَانٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَنَجَابٌ
 مِنَ الْجَنَّةِ فَيَلْبَسُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حُلَّةً خَضْرَاءَ وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْمَلِكِ وَكَلِيلُ الْكِرَامَةِ ثُمَّ يَرْكَبُونَ نَجَابًا
 فَظَاهِرٌ لَهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ لَا تَحْرَمُهُمُ الْقُرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَلْقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُوعَدُونَ

نوبت حج و عمره
 نوبت حج و عمره
 نوبت حج و عمره

یعنی اگر آن شخص از دنیا بیرون می شود و شبانه نماز تمام مردم جهان بروی او باشد همان سکرات مرگ
 عزت سب و زحمت مردن و شداید جان کندن کفار و کسان او باشد آنگاه فرمود هر کس از روی خلص
 و خلوص بکلمه توحید بگوید یا باشد چنین کس از آلائش شرک بری می باشد و هر کس از جهان بیرون شود و آنچه
 بهت با خدای شرک باشد و خدای مینباز را بناز شمارد درون بهشت خرم سهرت جای گشت پس این
 مبارک طاووس فرمود که یزدان تعالی بفرماید خدای شرکان را بنیامرز و بیرون از این کسای بزرگ هر کس
 خواهد از شیعیان و دوستان تو یا علی آمرزش فرماید یعنی اگر شیعیان و دوستان علی بن ابیطالب
 شرک با خدای گناهی در زید باشد خدای برای هر که خواهد مغفرت فرماید نگارنده حروف عرض میکند پس این
 برای اهل ایمان و آنانکه از روی اخلاص بوجدانیت خدای شهادت و فرار آورند معروف است پس آنانکه از روی
 اخلاص اقرار و شهادت آورند از زمره مشرکین بیرون نیستند بلکه مشرک منافق و از رحمت خدای بی نصیب
 پس به ابرحال آنانکه با اخلاص اندونند با اخلاص بر زبان رانند و شرابطه اخلاص امید اندونند با اخلاص عمل
 میکنند و مقام شیع و محبت را عارف هستند که با توجید مقرونست جز اعضام با اذیال لایت و محبت امیر المؤمنین
 و اولادش سلوات الله علیهم جمعین پناه و معاذ و مناصی نیست ایزد منان مرآة قلوب را بجهت دو لایت
 ایشان از بخار شک و ریب پاک کند و در دنیا و آخرت باین سعادت ابدی بهره و درو کاسکار کرد اندامش بی آلا لای
 با بجمه امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد یا محمد رسول الله این مقام مخصوص شیعیان نیست فرمود آری سو کند با خدای
 که مخصوص شیعه است و بدرستی که شیعیان تو بیرون می شود از قبور خود در حالتیکه میگویند خدای جز خدای نیست

اشاء پسین

دوم از کتاب مشکوه الادب ناصری

و محمد رسول خداست و علی بن ابی طالب حجت خداست در این وقت طلسمای سبز و اکلیمهای کرامت و ناجای غت از بهشت برایشان بیاورند و هر کوه با و بنجایب از بهشت حاضر گردانند پس هر یک از ایشان طله سبز بپوشند و تاج و کلبه گردانند بر سر بیارند آنجا بر به کوههای بهشتی سوار شود و آنرا کوهها ایشانرا در بهشت بگردانند و از فرخ اگر غلغله نیابند و فرشتگان ایشانرا پذیرا شوند که این همان روزی است که در دار دنیا چهلین روز و چهلین نعمت و رحمت و عده داد میشد و هم در کتاب جامع الاخبار مسطور است امام زین العابدین علیه السلام فرمود **مَنْ قَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَفَدَّ شَكَرَ كُلَّ نِعْمَةٍ لِّلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ** یعنی هر کس بگوید الحمد لله یعنی نیکیار را بر زبان بیاورد همانا سپاس شکر نعمت های خداست عزوجل ایجابی که داشته باشد زیرا که این کلمه لالت میکند بر اینکه هر خداست و بجز خداست و بجز شکر نیست و شکر مخصوص بذات مقدس تعالی است چه لام باره در اینجا بمعنی اختم است و اگر دیگری تیر منع بود شکر و سپاس مخصوص بجزای تعالی نمیگشت پس در این خصوص لیل است که منم حقیقی که شکرش لازم است ذات احدس آبی جل جلاله و غم نواله است و هم در این کلمه مبارک که لطفی غنی است که جهانیا را از آسیری نیت دیگران میراند چه سیر باید شکر و سپاس خاص خداوند منعم است یعنی دیگر از با حقیقتی نعمتی بر شما نیت و تیار بر شما منت و شمارا ایشان نعمتی نیت بلکه تا مدت ریزه خوارید پیچا و پرستنده یک گاه و در این حیثت بجزایب استید و هم از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویت که میفرمود **مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَجَعَلَ مِنْ غَيْرِ تَعَبٍ كَتَبَ اللّٰهُ تَعَالَى لَهُ مِائَةَ اَلْفِ حَسَنَةٍ وَحَسْبُ عَنَهُ ثَلَاثَةُ اَلْفِ سِتْنَةٍ وَ** دفع که **ثَلَاثَةُ اَلْفِ رُكْعَةٍ** یعنی هر کس بگوید سبحان الله العظيم و بجهه خدا بر آید و ن تعجب و کبر و از روی کمال معرفت و ضراعت و بخت و عرفان تسبیح گذارد خداوند تبارک و تعالی صد هزار حسنه در نامه اعمال و بنویسد و هزار ستینه از آنه عاقلش محو میکردند و سه هزار درجه برای او بر میگشت در کتاب نفیاس المصباح علامه سنی مسطور است که از حضرت امام زین العابدین در حضرت صادق سلام الله علیهما ما ثورات که هر کس در هنگام شام صد مرتبه بگوید که بگوید چنانست که صد بده آزاد کرده باشد در بخارا لائوار مسطور است که آنحضرت خبر بر روی خاک سجده نمینما از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویت که حضرت امام زین العابدین سلام الله علیه بهر روز و شب هزار رکعت نماز سگداشت چنانکه امیر المؤمنین علیه السلام را پانصد درخت خرما بود و پای هر نخله دور کت نماز پای میرد و در بخارا لائوار از ابو خادم مذکور است که گفت پیغمبر شمس از علی بن حسین علیه السلام افضل ندیدم و آنحضرت در هر روز شب هزار رکعت نماز میکند چندانکه از آثار سجد آنحضرت در جهه مبارکش مثل که گزشت نمودار کردید که هر کس که یکی از ثنات پنجگانه است یعنی خیم سبیل شتر و انگردی سخت یا ن سینه است و هم در بخارا لائوار مسطور است که آنحضرت را پانصد نخله بود و در پای هر یک بهر روز دور کت نماز پای آورد حضرت امام جعفر صادق از پدرش امام محمد باقر علیه السلام که علی بن حسین چون بنماز استادی کوفی ساق درختی است که بچشم خنفس شبانه که کلای که بادی وزان و شاخ و برگش را چنان سازد و هم در بخارا لائوار از حضرت ابی عبد الله سلام علیه مسطور است **كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمَا إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ كَانَهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَجْرُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا لَمْ يَجْرُ إِلَّا مِنْهُ تَرْجَمَ اسْمُ** در خبر قبل از این نوشته شد و دیگر مرویت که هر وقت سید بن جاد سلام

نواب

شماره

در تواتر

نواب

سجده

خاک

نماز و پای

پانصد نخله

سبک

احوال حضرت سید الساجدین علیه السلام

نماز در ایستادی کوی بنده خاک در حضرت شهید باری چهارپای است بدانگونه بجنوح و خشوع بودی و عفتانما
 آنحضرت از خوف و خشیت خانی غر و جل لرزیدن سیرت و چون نماز کردی چنان بودی که مردی در حالتش
 کوفی دیگر بان نماز میسوزد نخواهد کرد و بان فیض نایل نخواهد شد و دیگر در سجرات انوار از حضرت ابی عبد الله
 سلام الله علیه مرویت که هر وقت علی بن حسین بر ای کدشتن نماز برپای میشد چهره مبارکش در کون میگردید تا
 سجده که برقع رانسه حتی بر فضل عرفاً و چون سر سجده مینهاد چندان بر نیسرفت که از وی عرفی فرود میرفت
 و دیگر مرویت که چون آنحضرت یک یوم بدین اوقات میفرمود چندان مگر میگفت که نزدیک بود روح از بدن
 مبارکش بیرون شود در کتاب زنده الثمانیف سطر راست که از علی بن ابراهیم مرویت روزی حضرت علی
 بحسن ابراهیم بن العابدین سلام الله علیه با بسحر بیرون شد بطن از توانش زحمت برفت و مکران شد
 که بر فراز سستی ماهوار و درشت سر بسجده نهاد و می عرض میکرد **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ**
إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَقْدِيرًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نَعْبُدُكَ وَرَبِّكَ هَلُمَّاتِ بِي كَرِّ رُؤُودِ دَعْوَاهُ شَمَارَكَ فَرَّقْتَ فَرَّقْتَ
 تره رسید پس از سجده سه برداشت و روی و موتی مبارکش در سست چشم و سرشک دیده غرق شده بود
 در سفاس المصباح از نسخ موسی و دیگران رویت شده است که حضرت امام زین العابدین سلام الله علیه
 در سجده میفرمود **أَعْمَدُ شُكْرًا وَبِرَّةً مَرْتَبَةً كَمَا مَرَّتْ بِكَ شُكْرًا مَلْجُورًا بِرَبِّكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ**
الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا وَلَا يَخْتَصِمُ غَيْرُهُ وَبِأَذَانِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ
 میگرد و حاجات خود را در بینه و پس عرض میکرد **لَكَ الْهَدْيُ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ**
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ
صَلِّ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ اسْتَلْتُكَ فِي الْمَسَارِقِ الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَبْدَانِ وَبِحَبْلِكَ
 پس جانب راست روی مبارک را بر زمین میگذاشت و عرض میکرد **اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنِي مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ**
مِنْ وَكَالَتِكَ وَوَلَا يَهْجُرْنِي وَالْحَمْدُ عَلَيْكَ وَيَلِيكَ سَأَلْتُكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ
 و نیز مرویت که هر وقت آنحضرت نماز ایستادی رکعت مبارکش زردندی و انداختن لرزیدن میگردت و با
 به که آنرا که بر اینحال دانان بودند عرض میکرد در آنچه میخواست میفرمود و میخواست در برابر پادشاهی بزرگ که با او
 پادشاهانت باستم در سجرات انوار از زبان بن قلب مرویت که گفت حضرت ابی عبد الله سلام الله علیه
 کردم من مکران علی بن حسین علیه السلام بودم که چون نماز ایستادی رنگ مبارکش لرزید و کوفی دیگر فرمود
 فرمود **وَاللَّهِ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَعْرِفُ الدُّنْيَ بَعْدَ مَبِينٍ بَدِيٍّ يَكُونُ كَمَا كُنْتُ بِأَذَانِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ**
 پیشانت آمد که در حضور اوست یعنی از عظمت و بزرگی و قناتیت خدای دانان بود هر سن آنحضرت
 جل جلاله انور عرفان باشد لاند چنان خواهد بود و دیگر در سجرات انوار مسطور است که روزی آنحضرت نماز
 میکرد و جواز کیسوی شاه مبارکش نعیان دو آنرا استوی فرمود تا کما بیگانه از نماز فراغت یافت علی از سجده
 پرسش کرد که اینجالت چه بود یعنی چگونه در حال نماز عبادی مبارکش بر دو شتر سوار بودی فقال **وَتَجَنَّ**
أَنْدَرِي بَيْنَ يَدَيْكَ مَنْ كُنْتُ أَنْ الْعَبْدَ لَا تَقْبَلُ مِنْ صَلَوَاتِهِ إِلَّا مَا أَهْلَ عَلَيْهِ مِنْهُ فَرَمَوْا أَيُّ بَنِي

صفت
نماز در ایستادی

مزاراد کلیم
بدین

کلمات عهد
در سجده

بعضی از نسخ
چون

صفت کتب
در نماز

شستن عبادت در ایستادی

ربیع دوم از کتاب مشکوٰۃ الادب ناصری

سدانی در حضور چلو کسی مستم بانا از بنده نماز پذیرفته غیو و ذکر آن نمازی که از روی قلب توجّه بر آن شده
 باشد آفرید چون این کلام شبند و آن شرط بدانت عرض کرد سو کند با خدا ای ملاک شدیم فرمود **كَلَّا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ
 وَجَلَّ إِنَّهُ ذَالِكَ بِالتَّوَّابِ** یعنی توبه تکیه بر این عمل اخذ می نماید نماز ای نافله تفر فرموده است طاعتی
 حد ندارد است که علی بن حسین علیهما السلام را در سجده که ایتم با خود گفتیم وی مروی صالح از خانواده پاک و
 زیاده از با او که در این عالم با خود دیدم آن کوشش فراد او این طاعت عرض می کرد **لَا يَفْنَاكَ**
مَنْ يَكْفِيكَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ و غیره این طاعت طاعتی است که خداوند میگرداند و میگرداند و میگرداند و میگرداند
 میخواندم خدا را از این دور میماند در دنیا را بعد از مسطور است که اطاعت این طاعت را به نعم در حوض ثانی
 کاتب طیبه لا یسأله در آخر جزایار عقیق است طو است **كَانَ عَلَى الْحَبَرِ** تا از او بیخ من و خود
لَمْ يَلْمُوهَا این که از این طاعت در پیش این لایزال آن درون این اقوام رفته از این آن اما می
 بعضی هم در این طاعت علی بن حسین علیهما السلام را در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 از آن طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 کاتب بر این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 پیرواخت تکمیل بر این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
لَنْ آفَاهُ الْقِيَامُ بر این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 این از زمانه طیبه بعد که میرفت و چهار رکعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 یزد نمود و در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
عَاشِيَا السَّلَامُ شد و در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
كَمْ هَذَا الدَّوَامُ سوال آنست این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 تو ما این اندیشه را میخواندیم و این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 محمد باقر علیهما السلام در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 بسیار کوشش فرموده می چنانکه از این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 و این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت در این طاعت
 و در مدت بیست روز از دنیا طیبه بکس طیبه شرف یزد در کتاب استنباط مسطور است که از حضرت ابی عبد
 مرویت که حضرت علی بن حسین موی سر مبارک در ضمن خویش در زمین دفن نمیشود و میفرمود **كَانُوا يَسْتَجِوْنَ**
ذِي الْقَعْدَةِ یعنی آنکه علی بن حسین علیهما السلام این عمل را استحب میدادند از بعد از علی بن حسین علیهما السلام مرویت که بخت
 پر دم شب پندار نماز بر پای بود دو کار عبادت میکرد داشت که سر انجام بحالت غیرین و سرین نفرش میدوید
 این خبر معلوم میشود که تا آنحضرت را قیام قدرت و قود و جلوس در کوع و سجود بوده است در فرارش شرف
 جامی بود که آخر الامر از نهایت خستگی و نازکی جان اعضای مبارکش از قدرت و طاقت عاری میشد
 که اندک در میان در حلقه خواب غیر بر این یک کوه و زحف و سریدن در رختخواب راحت میفرموده است

عاشیا السلام
 در این طاعت
 در این طاعت
 در این طاعت
 در این طاعت

ما در سجده
 در این طاعت
 نماز در سجده

حالت غیر
 شب پندار

ربع دوم از کتاب مشکوٰه الادب ناصری

اضطراب فرزندش را در قعر چاه میشنید و چون اینجالت بطول انجامید آئین گفت و اخرا نه و از کمال اندوه و
 حزن بر آن طفل خود گفت یا اهل بیت رسول اند ما چند دلهای شما ساخت با بجمله آنحضرت بعد از کتیل و آتام
 ما خود بدلتوی روی کرد و بر لب چاه نشست و دست مبارک در چاه دراز کرد با اینکه جز باریمانی دراز ازین چاه
 خبر نمی توان داشت با بجمله پسرش محمد باقر سلام الله علیه را بیرون آورد و آن طفل با مادرش بمعاچه بود و میخزید
 و ابد اجامه و بدن مبارکش از آب چاه ترنگشته بود پس با مادرش فرمود بگیر او را ای کسیکه بخدای سبقتین
 هستی و آئین بر سلامت فرزندش میخزید لکن از انکلام امام علیه السلام یا ضعیفۃ الیقین بالله می
 کریت فرمود لا تزیب علیک الیوم لو علینا فی کنت بین یدی جبار لو ملت عنه بوجہی ^{و بجمله}
 عقی آخن یروی راحما بعد لا یعنی اینجالت بر تو کوهش و ملاستی میت و نبود اگر سستی
 من در حضور خداوندی جبار استاده ام که اگر روی از پیشگاهش بر تاجم و جگریم از من بر سب کرد اند آیا خرا و
 راجمی هست و دیگر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویت که هر کس سوزه مبارک که منته را در نمازهای
 واجب و سنت بخواند خدای دل او را با یان امتحان نماید و دیده اش را نور دهد و خود و فرزندانش ضرر و دیوانگی
 مبتلا نشوند در کتاب مالی صدوق علیه الرحمه از ابو حمزه ثمالی مرویت که گفت در مسجد کوفه درآمد بناگاه مردی را
 پہلوی ستون بنقش نکران شدم که با حسن رکوع و سجود نماز پهای بر دو من نزدیک شدم تا بوی نکران شوم او برین
 بسجود سبقت گرفت و شنیدم که این کلمات را در حالت سجود بر زبان میراند اللهم ان کنت قد عصینک
 فقد اطعنک فی احدث الاشیاء الیک وهو الایمان بک متامنک به علی لامتایه منی علیک و
 اعصیت فی بعض الاشیاء الیک لم ادع لک ولدا و لم اتخذ لک شریکا متامنک علی لامتایه منی علیک
 و عصینک فی اشیاء علی غیر تکابره و لا استنکار عن عبادک و لا تجود لیر بوبینک و لکن ابعث
 الهوی ازلنی الشیطان بعد الحج و البیان فان تعدنی فبذنی غیر ظالم و ان ترحمنی فجوذک و
 رحمتک یا ارحم الراحمین عرض میکند اینجادی اگر من در او امر و نواهی تو با تو گناه ورزیده باشم یا نا اطاعت
 کرده ام ترا در چیزی که از تمامت اشیا در ضرب تو محبوب تر است و آن ایمان بتو است که تو منت نهاد برین
 در آن ایمان داشتن تو یعنی این توفیق نیز از پر تو قبض و رحمت و شمول چون خنایت تو است نه اینکه مرا در ایمان
 ورزیدن تو منتی بر تو باشد چه منت در وصول نعمت است و نعمت همه از شتم حقیقی است و آذات آهس
 یزدان تعالی است عم نواله و عصیان ورزیده ام در حضرت تو نه از اینکه از روی از تو فی جشن و مبارکت و غیر
 و خویشتر از عبادت و پرستش تو بزرگ شردن یا انکار ربوبیت و پروردکاری ترا نمودن باشد بلکه از آن است
 که متابعت جوای نفس نا پروا دچار گردیده ام و بعد از مشاهدت حجت و بیان بوساوس شیطان بخواری و
 لغزش گرفتار شدم پس اگر بر اینجمله مرا بعد از بگیری محض گناه و سگافات منت بیسج ظلمی و ستمی بر من نرود
 باشد و اگر بر رحمت و بخشایش سپاری بسبب جود و بخشش تو است ای بخشایشگر ترین بخشایشگر آن
 با بجمله ابو حمزه که ید از پس این کلمات از نماز برخاست و از باب کنده بیرون شد و من از پی او روان شدم تا کا همیکه
 بناخ الکلبین یعنی مکانی که بنی کلب شتران و پار پریان خود را در آنجا فرو میخوابانیدند و منزل میدادند

در کتب معتبره

کلمات حضرت علی

کلمه توبه

احوال حضرت سیدالتاجدین علیه السلام

رسید فتر با سود فلتره بشی که افهمته فقلت من هذا فقال هذا علي بن الحسين عليها السلام
 فقلت جعلني الله فداك ما آفدك هذا الموضع فقال لا أدراك يعني پس بخلا می سیاه برگزشت و
 اورا بکاریکه من ندانستم فرمان کرد من بن سیاه گفتم این شخص کیست گفت وی علی بن حسین علیها السلام است عرض
 کردم خدای مرا بر خنی تو کرد اند چه غیر ترا بخشین مکان آورد فرمود این غیریکه نکران شدی یعنی برای آن بن سید
 آدم که این سیاه را با بر می ماسور وارم و دیگر از ابو حمزه ثمالی مرویت که شبی در پیشگاه کعبه معظه علی بن حسین سلام
 الله علیهما را در نماز مشغول دیدم و آنحضرت را مدتی در قیام بایستد چند آنکه گاهی بر پای رهن و گاهی بر پای
 تنگی سیکت آنگاه شنیدم این کلمات را عرض میکرد و گویا گریان بود یا سیدی تعذیبی و جنتی فی قلبی
 یا ایا و عزتک اثنی فعلت لجمع یعنی و بین قوم طال ما عادیتم فیک یعنی بستید من آیام اعداب میفرمائی و حال
 آنکه محبت و دوستی تو در قلب من آکنده شده بهمانا سو کند بغرت تو اگر مرا اعداب و نکال کنی با سعید من بهمانا کردی
 هر آینه جمع فرموده باشی بیانه با انا که در راه تو و حجت تو با ایشان بعبادات و فحاصمت بوده ام و دیگر
 از طاوس عیالی مرویت که گفت مردی را در سجد سحرآمیز در زیر ناودان نکران شدم که نماز میکرد و دعا میکرد
 و از دیده اش فرو می بارید چون از نماز فرغت یافت در خدمت و شدم و عرض کردم تو را بر چنان چنان است
 نکران شدم با اینکه برای تو سه چیز موجود است که امیدوارم ترا از بیم و خوف یمن دار دست استیکه تو فرزند رسوخ
 و دیگر شفاعت جدت یا بل بشوی مستم رحمت و اسعه خدای تعالی فرمود یا طاوس ای فرزند من بر سون
 مرا یمن و آسوده بنکر داند با اینکه از خدای تعالی شنیده ام میفرماید و لا یستغفون الا لاین اذ قضی جز برای
 انا یکدر طریقت ارتضاد آمده باشند شفاعت نمی نمایند و اما رحمت خداست تعالی بهمانا خداوند تعالی میفرماید انها
 قریبه من المحسنین یعنی رحمت خدای به نیکوکاران نزدیک است و من میدانم که محسن بشم و دیگر یوسف بن
 اسباط از پدرش اسباط حدیث میکند که گفت در سجد کوفه در آمدم ناگاه جوانی را نکران شدم که در حضرت بود و گاه
 بناجات پرداخته و همی در سجد عرض میکند سجده و جبهی معتضرا فی التراب یا الفی و حی که یعنی چیزی
 خاک آلوده سجد میکند خالق مرا و سزاوار همین است اسباط میگوید من بدانوی شدم و نکران کردیدم علی بن حسین
 سلام بود و چون روشنی با باد چهره نمودار کرد در خدمت شدم و عرض کردم یا بن سول الله تو اینچه نفعش را
 دستخوش رنج و عذاب میفرمائی و رحمت بیسانی با اینکه خدای ترا با کوفه فضائل بهره در فرموده امام زین العابدین
 علیه السلام بر سیت آنکه فرمود حدیثی عمر بن عثمان عن اسامه بن زید قال قال رسول الله
 صلی الله علیه و آله و آله کل عین باکبه يوم القيمة الا اربعة اعین عین جنت من خسیة الله
 و عین فقیه فی سبیل الله و عین غصت عن محارم الله و عین بانث ما هرة ساجدة دیناه
 یا الله اللکة ینول انظر و الی عبدی روحه عندی جسدی فی طاعنی قد جاء فی بدنه عین
 الضایح مدحون خوف و طمعا فی جنتی استدل فی حدیثی حدیث کرد مرا عمر و بن عثمان از اسامه بن زید که رسول
 صلی الله علیه و آله فرمود هر دیده در روز قیامت گریان است مگر چهار دیده نخست آن چشم که در این جهان از بیم زوال بان
 باشد و دیگر آن چشمی که در راه خدای و جهاد کور و شکافه شده باشد و دیگر چشمی که از دیدار آنکه خدای بروی امام

در روز قیامت من از آنجا بیرون میروم و خداوند تعالی مرا از آنجا بیرون میبرد

در روز قیامت

در روز قیامت

سنا جان بچون روی
 سجده کوفه

مکالمه انجمن
 یا اسباط

ربع دوم از کتاب مشکوٰۃ الاوتابصری

فرو خوابیده باشد و دیگر بخشم که شیرامداد کند در آن حال که بیدار و ساجد باشد یعنی در حال تقوی و سجده باشد چنانچه
 برین کسی و چنین دیده بشود که گمانه بیانات فرماید و گوید باین بنده من نگران شوی که روح او در پیشگاه من سر
 دارد و در سش عبادت من است و بد نشن از جامه خواب و محل راحت دور داشته و مرا بخواهد از حق من و طمع در
 رحمت من گواه باشد که من او را بجا مرزیدم صاحب کشف الغم بعد از کارشرا بخدیث میگوید که حافظ اینچنین
 را در مسجد کوفه ایراد کرده است لکن چنانکه بجان من ندر است علی بن حسین جز در خدمت پدرش سلام علیها
 کا بیلکه آنحضرت بشهادت میرسد براق و وصل نیافت و آن هنگام که بگو شرف وصول از زانی فرود با اختیار چون
 و متصرف در شخص خود بنه دگر میل خود بسجد جامع بیاید و نماز بخندد لکن شاید اگر تحقق روند حکمی دیگر پیدا نماید را قلم صرف
 گوید در آنروا یکی ابو مزه ثمالی از مازور عا معروف آنحضرت در مسجد کوفه بینامد و روایتی است هور است و در کتب علماء
 مسوره و همچنین آنرا این که آنحضرت او را با خود بر بارت جده اش امیرالمؤمنین صلوات الله علیه میبرد باز بنیاید که در
 نفقات مجال ظن و محل کمان نمی ماند و الله تعالی اعلم و دیگر در کتاب سجاد الا نور از طاوس مرویت که شبی آنحضرت
 را نگران شدم که از هنگام عشا تا سحر در آن در خانه که خواب داده و جادت کرده و چون بچشم برانده آنوقت نظر
 آسمان کرد و قال غارت نجوم ستمولک و انجمت عیون انامیک و ابوابک مقفان للشاؤلین
 جنتک لیغفر لی و ترحمق و تریمی وجه حدی می محمد صلی الله علیه و آله فی عمر صائب القیمه
 عرض کرد سنار آن آسمانهای تو ما بدست ندو چشم می آفریدگان و بندگان تو بخواب فرو رفتند اما با آنچه
 در ای رحمت تو رای خواهند یافت گشاده است و من در اینجا که رحمت تو روی کرده ام ایام مزی و برین
 یغاثی و اید از بدم محمد سبی الله علیه و آله را در پنده قیامت عصمت روز بار پسین با من بارغالی آنکه بگرسبت
 عرض کرد و عزتک و جلالک ما آردن بمعیصتی کمالک و ناعصیتک اذ عصیتک و
 انابک مناک و لا ینکالک جاهل و لا لعفوبتک متعیر و لکن سولت فی نفسی و اغانی علی
 ذلک سرتک الم تری به علی فاقه الا ان من عذابک من استنفذنی و یجبل من اعصر ان قطع
 سلاک منی عواسیر اناه خدا من الو قوفین بدینک اذ ایل للخیفین حوز و اولی الثقلین خطوا مع کفرین
 اجوز ام مع الثقلین اخط و علی کما طال عمری کثرت خطایای و لرب ان اسحی من ربی
 سو کند بخت و جلال تو هرگز اراده کرده ام در عیب تو محافلت و طغیان در حضرت تو را و بسوقت گناه نورزیده ام
 در حضرت تو بان حیثیت که در عظمت و قدرت و کمال و عقوبت تو بگش و مشبت باشم و یا از روی جبرنت و جبارت
 که در عذاب و عقوبت تو بر ایم لکن نفس من بر ابو سومی افکند و معاویه در دیدار من بزیبت میآورد و آن پرده رحمت و عفو
 که بر ساصی و معایب کترده است مرا بر این کار نیز میدهد پس اکنون کدام کس تو انانی است که مرا از عذاب باز رتا
 و از خطرات عقاب تو بیرون کشد و من با جیل المیتین درشت استوار کدام کس بونید جویم و چنگ در فلکم اگر توسته
 رحمت و گذشت از من بریده داری پس استواء از با با د قیامت از ان هنگام که معصیت کاران و افریدگان را در
 آستان امتحان و پلیس و عدالت تو باز دارند و آنکه با آنکه با ایشان سنگین باشد گویند در شیب عذاب و نکال
 فرود آید آیا آن هنگام با آنکه سلامت میکند زند خواهد گذشت یا آنکه با آنکه با آنکال و عقوبت و چارند فرود میوم

عباد الله

این حدیث در کتاب مشکوٰۃ الاوتابصری در باب عقوبت است

بر من که هر چند عمرم دراز و درویم نیز میسر و نطق و لغزشهای من بسیار می شود آید آن بسعور در روز پروردگار
آزم و از افعال خود شرم گیرم آنگاه آنحضرت علیه السلام بپیت این شعر اشارت فرمود

أَخْرِجْنِي بِالنَّارِ يَا غَايَةَ الْمُنَى فَأَيْنَ رَجَائِي ثُمَّ أَيْنَ مَحْتَبِي
أَبَيْتُ بِأَعْمَالٍ قَبَاحٍ ذَرِيَّةً وَمَا فِي الْوَرَى خَلْقٌ جَنَّتِ

یعنی ای نهایت آرزو و پیمان آمل من آیا بسوزی مرا باش و اگر بسوزی پس مید و محبت من چیست و جاست بنام
با اعمال قبیح در پیشگاه رحمت تو آید ام و در جلد مخلوق بیچکس را چون جانب من جنایت نیت با جمله از آن
پس هر شک از دیده بیاید و عرض کرد سُبْحَانَكَ تَعَصَى كَأَنَّكَ لَا تَرَى وَحَلَمَ كَأَنَّكَ لَا تَعُصِرُ تَوَدَّدَ
إِلَى خَلْقِكَ بِحُسْنِ الصَّنِيعِ كَأَنَّ بَيْنَكَ حَاجَةً إِلَيْهِمْ وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي خَالِقُ عَنَّا نَمُوعًا بِعَيْنِ بَصِيرَةٍ
و نور رحمت بیروی که گویا نظر آن نیستی و دار و در گناه کاران نمی بینی و چنان بحکم و عفو میگذری که گویا بسوفت در
حضرت تو مصیبت نرفته اند و در پیشگاه تو عیب مالی نوزیده اند و چنان از روی بزرگی و شجاعتش با مخلوق خویش
هستی و دوستی ایشان را خود پیوند میدهی که گویا ترا بسوی ایشان نیاز و حاجتی است با ایند تو ای سید من غنی با
و از جمله ایشان مین یاز هستی و از پس این کلمات خود را بسجده انهد پس من تا بخرت از یک شرم سه مبارکش گرفته
بزرانوی خود بگذاشتم و چندان بگریستم تا سنگ آید ام بر کوزه مبارکش فریاد رسید پس آنحضرت راست نشست و فرمود
گدیت نکو مرا از یاد پروردگارم مشغول داشت عرض کردم ایفرزند رسول خدا ای من جا و حسن مستم این فرغ و جرع صلی
ما سازا شایسته است که از این کوزه بار و کردار بیای بریم چه پاک و جفا بی و خائن هستیم ما پدر خویش بن علی
علیها السلام و ما در تو فاطمه زهرا سلام الله علیها و جد تو رسول خدای صلی الله علیه و آله باشند طاووس میگفته
آنحضرت با من گفتند فرمود هیات هیات ای طاووس حدیث پروردگار و جد مرا از من فرستاده گذار
خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِمَنْ طَاعَهُ وَ أَحْسَنَ وَ لَوْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا وَ خَلَقَ النَّارَ لِمَنْ عَصَاهُ وَ لَوْ كَانَ
قُرَشِيًّا أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ تَعَالَى فَإِذَا دَخَلَ فِي لُحُوفِهِمْ فَسُجَّدَ لَهُمْ فَمَا لِيَ كَأَنَّكَ تَكُونُ
لَا يَنْفَعُكَ غَدَاةٌ لَأَنْفَلَقَهُ نَفْلَهُمَا مِنْ عِلْمٍ خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ لِيُفَرِّدَهُمْ بِرَبِّهِمْ فَمَا لِيَ كَأَنَّكَ تَكُونُ
باشند و خلق فرمود پیش را برای عاصیان و گناهکاران که چند زاده قرشی باشند با نشیند تمام عالم خدای
که چون در صورتند به پند قیامت در توفه در آن نور سبها از میان میرود و سخن از شب نخواهد رفت سوکن با خدای که
باید در ستانیر هیچ چیز ترا در مندن بیا نظر آنکه گداری پسندیده و عمل صانع از پیش فرستاده و بدخیره نهاده
برک بتری بگور خویش فرست پس نیار در پس تو پیش فرست چنانکه از این مین باید که اختلافی در ذکر تعالی
آنحضرت مذکور شد در تجار الانوار مصور است که وقتی آنحضرت بنا بر ستاده بود پس شیطان بصورتی در سینه
تیز و چشمهای سرخ در گردش عجیب از میان این از سجده گاه آنحضرت نمودا شد و در محراب بیا کشتن و بجان کشتن
و انجناب بیچوبه در بیم و خون زلفت و بد و اتفات فرمود پس شیطان بر پشتند کی مبارکت عیسی و همی مانده
که از سایند و از دمان آتش بران بیلند و با ای جمله آنحضرت بیچوبه بد و نم کردید و قدمهای مبارک از جای حرکت نداد
ایس را چندان درک زلفت و شبابی سوزان از آسمان فروزان کشت و چون شیطان احساس آن شهاب را

این شعر را در روزی که آنحضرت در مدینه فرمودند

سنگی که در میان من
بماند تا آخرت

فصلی در بیان شیطان
و از آنکه در سینه

سخت

ربع دوم از کتاب مشکوٰه الادب ناصری

سختی و در صورت سخت خود برآمد و از کیوس امام علیه السلام بایستاد و عرض کرد یا علی توفی سید العابدین
 چنانکه میداده شده و من اطمینان هستم سو کند با خدای عبادت پیغمبر از او عهد پدرت آدم علیه السلام تا این زمان دیدم
 و نه مثل تو و نه عبادت تو دیده باشم پس آنحضرت را بگذاشت و روی بر تافت و امام زین العابدین سلام الله علیه همچنان
 در حالت نماز بود و کلمات اطمینان هر چه آنحضرت را مشغول نداشت تا که بیک نماز خوشتر نمانست بگذاشت در جلد سماء
 عالم بخارا لا نور سطور است از ابو حمزه قال علی بن الحسین علیهما السلام یا ثمالی ان الصلوة اذ اقیمت
 جاء الشیطان الی قبرین الامام ینقول هل ذکر ربه فان قال نعم ذهب وان قال لا رکب علی
 کفیه فكان امام القوم حتی ینصرفوا قال فقلت جعلت فداک لیس یقرؤن القرآن قال بل لیس یقرؤن
 یا ثمالی انما هو الحکم بنیسم الله رب العالمین یعنی علی بن الحسین سلام الله علیهما فرمود ای ثمالی همانا چون نماز برپای میشود
 با آنکه امام زین العابدین متعارف است میگوید آیا امام زین العابدین پروردگار خود را یاد کرده نام برده اگر گوید آری نام برده است
 شیطان باز میشود و اگر گوید مذکور نشده شیطان بر دو شانه امام نماز سوار میشود و نام زمان از نماز فراغت گیرند
 شیطان امامت کند ابو حمزه میگوید عرض کردم فدای تو شوم آبانست که قرائت قرآن میکنند یعنی در نماز
 نام خدای ذکر میشود فرمود آری چنان نیست که تو میروی ای ثمالی بلکه ذکر خدای آنست که بسم الله الرحمن الرحیم بجز
 قرائت نمایند در بخارا لا نور مرویت که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعد از صلوة فجر تا طلوع شمس سخن نمیگوید
 و از این حدیث معلوم میشود که در آنوقت بجز عبادت مشغول بوده است و دیگر در کتاب بخارا لا نور از حضرت امام محمد باقر
 سلام الله علیه مرویت که چون حضرت فاطمه دختر علی بن ابی طالب علیه السلام مکران آن گونه عبادت و آن نوع
 کوشش و اجتهاد علی بن الحسین سلام الله علیهما کردید نزد جابر بن عبد الله بن عمرو بن خرام انصاری رضی الله عنه شد
 فرمود ای صاحب رسول خدای همانا ما را بر شما حقوق است و از جمله حقوق ما آنست که چون شما مکران شدید که یکی از ما از
 کثرت اجتهاد در عبادت خود را به هلاکت رساند خدای را بیدار و بیاورد او را بر حفظ نگاهبانی نفس خویش بخواید نیک
 علی بن الحسین یاد کار پدرم حسین علیهما السلام است که بسبب آن کوشش و اجتهاد و رنج و تعب که در عبادت بر خویش می
 سپارد یعنی مبارکش شکاف یافته و چین و زانو و کفهای دست مبارکش شوخ و پدید بسته پس جابر بن عبد الله با
 سرای حضرت امام زین العابدین علیه السلام باید و در این هنگام حضرت ابی جعفر محمد بن علی سلام الله علیهما در جماعتی
 از پسران بنی هاشم در باب سرای فراهم بودند پس جابر نظر حضرت ابی جعفر افکند در حالتی که روی بدو داشت و بیجا
 جابر گفت همانا اینراه سپردن رسول خدای صلی الله علیه آله و سبب است نگاه عرض کرد ای پسر گیتی فرمود محمد بن
 علی بن الحسین هستم اینوقت جابر رضی الله عنه بگریست سپس عرض کرد سو کند با خدای تو نیکه علم را بجز میگانی و با
 علومی پدر و مادرم فدای تو باد من نزدیک شو و جابری که بهای جامه اش بر کشود و دستش بر سینه مبارکش بگذاشت
 پس در ابوی رسید و گونه و چهره خویش بر سینه اش بگذاشت آنگاه آنحضرت عرض کرد ترا از جدت رسول خدا
 صلی الله علیه آله سلام میرسانم همانا آنحضرت ما را فرمود تا آنچه دیدی با تو بجا می آورم و ما را فرمود یوشک آن
 قدیس و بنقی حتی تلقی من و لدی من الله محمد بنیقر العلوم بقرا و قال لی انک بنقی حتی تعنی ثم یکشف عن بصیرتک
 یعنی معنی میرود که تو زنده باقی و بجای باشی تا که بیک دریا بی از فرزندان من کسی را که پیش محمد باشد و او نیکان علوم

در این کتاب
 بابی از امام زین العابدین

سخن فرمودن از بن
 العابدین
 عابد با بر خدای
 در آن

در احوال حضرت سید الساجدین علیه السلام

شکافتنی و با من فرمود تو چند ان بانی که ز فراتونی و شماره روزگار نوزاد دیده کانت برود پس از آن محمد با قرصتت را روشن گرداند و از پس ابن سخنان جابر با وی گفت رپدرت رخصت جوی تا بخرشش شرف جویم ابو جعفر علیه السلام در خدمت پدر فرخنده سیر شد آند استمان بکداشت و عرض کرد می بر باب سلامی است و این چنین چنان زقار نمود امام علیه السلام فرمود ای پسر که من همانا این شیخ جابر بن عبد الله است پس از آن فرمود آیا در میان دیگر که دوکان لیل تو با تو گفت آنچه گفت و بجای آورد آنچه آورد عرض کرد آری فرمود در حق تو قصد سوء نداشت و خون ترا بوحش آورد آنگاه رخصت فرمود تا جابر در آید و چون جابر در خدمت حضرت سید الساجدین در محراب عبادت دید که از کعبه عبادت بکار بر آن حضرت تنگ و دشوار گشته است با جمله امام زین العابدین از بهر جابر بر پایی جنت و از حال او بطه پوشید پس فرمود پس از آنش پهلوی نویستن جای ساخت و جابر روی با آن حضرت کرده عرض نمود ای فرزند رسول خدای مکرزنده که خدا این تعالی بهشت را از بهر شما و دوستان شما و دوزخ را برای دشمنان به بنضین شما بیا فریده پس این که تنگ جوی که بسبب آن نفس خود را در کفقت انداخته از پیت نامرین العابدین علیه السلام با او فرمود ای صاحب نول خدا مکرزنده است که خدا کی کتایان که گشته و آینده چه مرسول است را آرم زیده است و با ایخالت چندان در عبادت و بندگی پرستش خدای تعالی بکوشید و از اجتماع در عبادت فرود آشت فرمود و پدر و مادر را نیز بد آن گونه فرمود و جید بند ساق و قدم مبارکش از کثرت عبادت ورم کرد پس آن حضرت عرض کردند آیا تو با ایخالت در عبادت کوشش کنی وَ قَدْ عَفَاكَ اللَّهُ لَكَ مَا نَقَدَّمْ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا أَخَّرْ وَ بَيْنَ يَمِينِ دَرَابِلِ تَرْجَمُ وَ ذَكَرَ حَالَاتِ حَضْرَتِ سَيِّدِ نَجَاتِ دَوْلَةَ اِشَارَتِ رَفْتِ بَابِ نَجْمِ صِلَى اَبِهِ عَلَيْهِ وَ آلهِ دَرِ جَوَابِ فَرَمُودِ اَعْلَا اَكُوْنُ عِنْدَ اَسَاكِرِ اَيُّوْنِ جَابِرِ نَجَاتِ بَدِيْهِ جَوَانَتِ كَرِغِ تَعَبِ وَ اجْتِهَادِ اَنْحَضْرَتِ رَادِرِ مَرَاتِ عَادَتِ بِسَمِخِ خَتْمِ نَبِيِّ زَيْنِيْتِ عَرْضِ كَرِ اَبْنُ فَرَزَنْدِ رَسُوْلِ نَدَايِ بَرِي كِي بَعَايِ نَفْسِ مَبَارَكِ لَا زَمِ اسْتِ كَرِ خُوْشِيْشَرِ اَرَايْتِ فَرَا اِيْ دَرِ بُوْ يَا دَكَارِ نَخَاعَتِ بَا سَتِي كَرِ سَبَبِ اِيْشَانِ مَبَاتِ وَ فَرِغِ بُوْ وَ دِيْنِ خَدَايِ اَبِيْتِ دَرِ اِيْتِ اِيْشَانِ پَدِيْ سِي كَرِ دُوْ بَسْبِ خُوْ دَا فَاضْتِ فَرُوْ اِيْشَانِ آسْمَانِ بَرِ زِيْنِ بَارِ اِيْنِ مَبَارَكِ اَنْحَضْرَتِ دَرِ جَوَابِ فَرَمُودِ يَا جَابِرُ لَا اَزَالُ عَلَيَّ مِنْهَا جِ اَبُوِيْ مَوْ اَشْيَا بِهِيَ اَصْلُوْا نِ اَللّٰهُ عَلَيْهِ اَخِيْ اَعْمَامِ اِيْ جَابِرِ عَلَيْهِ بَرِ طَرَفِيْتِ وَ رُوْشِ وَ مِنْهَا جِ دَرِ مَرِ و مادر م عبادت كنم و با تان تا من جويم تا كاهي كه ايتبار ملاقات با من جابرسا روی با حاضران کرد و گفت سوگن با خدای . فرزند ان پسران بنی پس بر مانند علی بن حسن سلام بر علیه السلام مگر یوسف بن یعقوب علیها السلام را سوگن با خدای در دای علی بن حسین سستی شد که ز بهر انکه از او جدا شدند و از آنکه از ظلم و ستم گنده بود و از این کلام بظهور حضرت صاحب الامر ازین مسلمات ان عبادت انان کرده و من در مجار الا نوار از زهری مرویت که در خدمت حضرت سید جابری علیه السلام علیه نرود در انماگ شیده عبد الملک با آن تفاوت و اشتغال امور دنیوی آن اثر سجود و زردی رنگت و زخم صورت و نصف بینی و و سگی چشمهای بیابا سخت در چشم بزرگ و دلش سوزناک کردید و عرض کرد یا احمد زحمت عبادت و بیخ مجاهدت نعلونه و نایز کرده است با اینک از روز ازل تقدیر خدائی و مشیت ایزدی بر یکی جانح معاد سوال تو جاسی کرده و در انجا که بودی رسول خدا صلی الله علیه و آله باشی و این شب قریب و سبب و کبذ آن منسل و منسب بزرگوار زمین خود و مردم روزگار خود است و آن فصل و آن علم و درع و دین که خدای تر و فرموده و سچکلس از بهر ان که

در مجار الا نوار از زهری مرویت که در خدمت حضرت سید جابری علیه السلام علیه نرود در انماگ شیده عبد الملک با آن تفاوت و اشتغال امور دنیوی آن اثر سجود و زردی رنگت و زخم صورت و نصف بینی و و سگی چشمهای بیابا سخت در چشم بزرگ و دلش سوزناک کردید و عرض کرد یا احمد زحمت عبادت و بیخ مجاهدت نعلونه و نایز کرده است با اینک از روز ازل تقدیر خدائی و مشیت ایزدی بر یکی جانح معاد سوال تو جاسی کرده و در انجا که بودی رسول خدا صلی الله علیه و آله باشی و این شب قریب و سبب و کبذ آن منسل و منسب بزرگوار زمین خود و مردم روزگار خود است و آن فصل و آن علم و درع و دین که خدای تر و فرموده و سچکلس از بهر ان که

ربع دوم از کتاب مشکوٰه الادب ناصری

نصف اول از کتاب مشکوٰه الادب ناصری

نو کرده گذشتگان روزی گذشته با این سابق و مغاخر که تراست این همه رحمت و اجتهاد در ضرورت پست با جمله
 عبد الملک بن سخان همی گفت و از محمد و محاسن و ثناء و ستایش آن حضرت بر زبان همی براند فقال علی بن
 الحسین علیه السلام ما وصفته و ذکرته من فضل الله سبحانه و نایده و توفیقیه فاین شکره
 علی ما انعم یا امیر المؤمنین کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقف فی الصلوة حتی یرم
 قدماءه و یظلماء فی الصیام حتی یعصب فوه فقیل له یا رسول الله ان یرغیرک الله ما انعمه
 من ذنیک و ما ناخر فیقول صلی الله علیه و آله افلا اكون عبدا شکورا الحمد لله علی ما اولی
 و ابلی و له الحمد فی الآخرة و الاولی و الله لو تفتطعت اعضاءی و سالت مقلنای علی صدری ان
 اقوم لله جل جلاله لمر اشکر عشر العشر من نعمة واحد من جمیع نعمة التي لا یحصیها العادون
 و لا تلغ حد نعمة فیها علی جمیع حمد الحامدين لا والله اذیرانی الله لا یغفلنی شی من شکره و
 ذکره فی لیل و لا نهار و لا سیر و لا علانیه و لولا ان لا اهل علی عکة حقاً و لیس اثر الناس من خاصیم
 و عامهم علی حقوقاً لا یسعنی الا الصیام بها حسب الوسع و الطاقه حتی اذ یها البهم لمرین بطرفی
 الی السماء و یقلی الی الله ثم لمر اردددها حتی یقضی الله علی نفسی و هو خیر لاکین امام زین العابدین علیه السلام
 آنچه مذکور داشتی و وصف نمودی و یاد کردی از فضل و توفیق و کرم خدای با من مقام هیچ شک و شبهت و نکا
 ز در پس که رو سپاس خدای را من نعمت ما چگونه است و کجا است ای امیر المؤمنین همانا رسول خدای صلی الله
 علیه و آله با این شکر است و بر کز بد کی چند آن در نمازی پاسب که قدمهای مبارکش ورم یافته و چندان در روز نشینید
 در آن مبارک شکر یکدیگر دید پس آن حضرت عرض کرد یا رسول الله آیا خدای تعالی گمان بر گذشته و دیده
 ترا میا مرزید در جواب فرمود آباننده شاکر نباشم و خدا برابر نعمت ای خیرل سپاس گذارم سو کند با خدای گراندم
 پاره پاره کرد و دو حد قهای چشم از کاسه بیرون و آب گردید بر سینه ام روان شود نتوانم عشری از مشاعر و یکی از
 صد هزار سپاس یک نعمت است ای بجای آورده باشم که مردم جهان و شماره کنندگان روزگار شماره اش نتوانند
 و حد سپاس گذاران بحد و مقدار بی زان نعمت ما بالغ نکردند سو کند با خدای جز این باشم و جز این بیای نیارم ما
 و منیک خدای بی بر من برین سجالتی که هیچ چیز از ذکر و یاد او در شب و روز پوشیده و آشکارند داشته است
 و از زبان بود و در این میان برابر من حتی و دیگر مردمان را از خاص عام بر من حقوق است که حتی الوسع و الامکان از
 ای آن ایات ما چاره بر آینه چشمهای خود با آسمان و روی قلب را بضررت یزدان متوجه دیدم و از آن حال
 است هیچ چه ما ز نمیدانم گاهی که خدای تعالی بر من برک فرمان دهد و او سبب بنترین فرمانگذاران با جمله است
 آن حضرت گریست و عبد الملک گریه شد و گفت بسیار جدائی و تفاوت است در میان آن بنده که در طلب یزدان و سر کما
 جاویدان باشد و میان آنکه در طلب دنیا و عظام دنیا روز نندازد هر جا که خواهی کوی باشی و در آخرت هیچ بهره و نصیبی با
 او نباشد انگاه روی آن حضرت کرده از حاجات آن حضرت پرسید و جمله را بجای آورد و شفاعت امام علیه السلام را در حق
 هر که بود پذیرفتار شد و تبریک بگفتی در حضرتش تقدیم کرد و راقم گوید از آن عبارت که از جمله خلق را از خاص عام بر من
 بودی که او ای آن بن و جب است بیخوف چشم سرو بصر قلب را از آسمان و یزدان بر منیکر فتم لطیفه است که اولاً

نصف دوم از کتاب مشکوٰه الادب ناصری

در احوال حضرت سید الساجدین علیه السلام

میرساند که مردم روزگار عیال آنحضرت اندازند این روی از جنبه علی خلقی ناچار است تا نیافرند خود را میسازد که اگر بخواهد
یعنی از جبهتی توجیه باز نمیدارد و اختیار غیب در دست نه او است تا نشانی نماید که دارای دو جنبه علی الربوبی و علی
الخلقی است و اینکه بپاره بختی متوجه نیست و از مخلوق صرف نمیکند برای اینست که اگر جنبه امام نباشد تمام است
و قوام از مخلوق برود و یکبار به حالت معده و مپیاد کند و الا از چه بودی که امام علیه السلام را جز توجیه بجز نباشد
و جنبه علی الربوبی و بکر بستی چه خود اینها از آسمان و جهانیان هیچ حاجت نیست بلکه این توجیه دنیا و
دنویان محض حفظ و رعایت و تربیت و تعلیم و ترقی و تکمیل ایشانست و اگر این جنبه نبودی و از برکتش این
جنبه حاجت آسمان باین جنبه نبودی چگونه از مرتب عالمی بر کز اذنی افادت و بفرشدهی علیه السلام

در شهر مشهد
وزمان مبارک

الصلوات و السلام ذکر پاره آداب و دعوات و عبادات آنحضرت در ماه رجب شعبان المعظم و رجب مبارک غیر از آن آنچه که در پیشین گفته است

حضرت امام زین العابدین او ای سلام الله علیه همین در ماهی آداب و عبادت و دعا و دعوت که در کتاب
مستور است و در صفحه کا با عبادت نیز پاره مرفوع است و چون آنحضرت در شهر رجب مبارک در شعبان المبارک
و در رمضان المعظم علاوه دیگر شهر ادعوات و آداب و عبادت در اینجا بفرموده که در کتاب مبارک
الانوار مستور است که علی بن حسین را قانون آن بود که آنرا ذکر کرده بودی فرمان کردی تا کوفه سفر برآید
و اعنای او را پاره پاره کردندی و پختندی و چون شامگاه شدی آنحضرت بر آمدی مشرف شدی و بوسی آن
مضبوح را در حالت صیام در باقی تم تقبول ما نواله ضامه آخره الا ان نلانی و آخره نواله الا ان نلانی
حتى ابي على الخالفه ثم بوني بخبري بغيره يكون ضامه و کاسه به برت حاضر میگردد و زان پس
مقلوب کرده بطلان طایفه و فلان جماعت بدست آمد و یکجا است بر آنکه سکنت از پسین بیانات و خرافات
و تعشی آنحضرت سخن آن بود در کتاب است طاب زاد المعاد علامه مجلسی می مد تقاضای مستور است که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام در احوال رجب این دعا خوانست میفرموده علامای اسلام فرموده اند که

در رجب

انذها در هر روز رجب است یا من بملك حوائج السائلين ونعمير الصامنين لكل مسئلة منك
تسمع حاضر وجواب عتيد اللهم ومواعيدك الصادقة وآياتك الفاضلة ورحمتك الواسعة فاستك
ان نصلي على محمد وآل محمد وان تفضو حوائج الدنيا والآخرة انك على كل شئ قدير يكند ای که یک
حاجات خوانندگان و دانای بر ضمیر ماوشان یعنی تا آنکه در میان خواننده و در خواست کنند از هر خواستش از جا
نوشندنی حاضر و پاسخی آماده و مواعید تو بجاست راست و نعمت ای تو بجز افزون از حد و حساب است و آنرا
رحمت تو کتره و وسیع پس در حضرت تو خواستارم که رحمت نرستی بر محمد و آل محمد و شونده هیچ او در دنیا
آخرت بر آورده داری همانا تو پروردگار قادر و توانائی و بزر در زاد المعاد از حدت و حدیض و ناسیه و

در رجب

ربع دوم از کتاب مشکوٰه الادب ناصری

مروست چون ماه شعبان المعظم فرا رسید حضرت امام زین العابدین سلام الله علیه روان خود را فراموش میفرمود و بگویند
 ایحاکمت اصحاب من میدیند این چه ماه است هانما این و شعبان است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود شعبان ماه
 من است پس روزه بدارید در این ماه برای محبت پیغمبر و تقرب بجزرت داور بحق خداوند که جان علی بن کبیر را
 قدرت اوست سوگند میدهمی کتم که ازیدرم حسین بن علی علیهما السلام شنیدم فرمود از حضرت امیر المؤمنین صلوات
 الله علیه شنیدم که هر که روزه بدارد شش شعبان را محض محبت پیغمبر زودان و تقربت بخداوند منان خداوند اوست
 بدارید که دست خود را در یک روز اندر در ورق است و بهشت را برای او واجب نماید در زاد المعاد مسطور است که
 حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند بر سر خواستار با تدروح صد و بیت و چهار هزار پنجاه صلوات است
 سلام بر عیالهم جمعین با وی مصافحه نمایند حضرت امام حسین علیه السلام در شب یازدهم شعبان زیارت نماید زیرا
 که فوشتگان و پیغمبران در ان شب از خدا می رخصت نمیشوند تا بیزیرت آنحضرت شوند و عازت یابند پس خوشاه
 و حکام حال کسی را که این بزرگواران با وی مصافحت روند و هم در زاد المعاد از زید شنید علیهم السلام مرپست که
 پدرم امام زین العابدین علیه السلام با او را بجله در نیمه شعبان المعظم در حضرت خویش سخن میفرموده و آن شب را بر سر
 به میمانت بهر سخت را تا بر میاست دوم را خدا می را به عا میخواند و در بهر سیم در پیشگاه خداوند خواستار
 آفرینش سیست و ما بر است نه سید و به تا صبح دید که شود و نیز مجلسی اعلی الله مقامه در زاد المعاد و روا
 میفرماید که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه در جمله ایام ماه شعبان در حکام زوال و در
 بر آناه این صلوات را فرستند *اللهم صل على محمد وآل محمد بنجره النبوة وموضع الرسالة
 ومحبابنا لئلا نكفهم ومعدينا العلية والذين بيتنا لوطي اللهم صل على محمد وآل محمد الفلك الجارم
 في الية اغامرة فاهم من ذكياتهم من تركها المتكلم لهم مارق والمنخر عنهم زاهق واللائم
 لهم لا يبي اللهم صل على محمد وآل محمد الكهف المحبين وغياب المضطر المستكين وملاجي الهارون
 ومعنى الخائفين وغصبة المعتصمين اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة تكون لهم رخص
 ولحوق محمد وآل بيته آذاه وقضاء بحول منك وقوة يارب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد
 الطيبين الأبرار الأخيار الذين أوجب لهم حقوقهم وفرضت طاعتهم ولا ينهم اللهم صل
 على محمد وآل محمد وانتم قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك وارزقني مواساة من قترت عليه
 من رزقك بما وسعت علي من فضلك ونشرت علي من عدلك وأحسنتي تحت ظلك وهذا شهر
 نبيك سيد المرسلين صلواتك صلواتك عليه وآله شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان
 الذي كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدا ب في صيامه وقيامه في كيا ليد وآيامه بجوعا
 لك في إكرامه وأعظامه الى محل حمائه اللهم فاعنا على الاستئان بسنته فيه ونيل الشفا
 لديه اللهم فاجعله لي شفيعا مشفعا وطريقا اليك مهيبا واجعلني له متبعا حتى ألقاك يوم
 القيمة عني واصبار عن ذنوبي غاضيا فدا وجيلي منك بالرحمة والرضوان وأزل لثني ذوالقرار ومحل الأخطا
 خلاصه معنی چنین است بار خدا یا رحمت فرست بر محمد آل و درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل آرزوی شیعیان*

فصلیست در بیان فضیلت ماه شعبان

در زاد المعاد حضرت امام زین العابدین علیه السلام

صدور
فی شعبان
المعظم

الذی کان رسول الله صلی الله علیه و آله یدا ب فی صیامه و قیامه

دراحوال حضرت سید الساجدین علیه السلام

و معدن علم و دانش و خانوادگی که نزول وحی اختصاص آن داشت ای سجدای رحمت فرست بر محمد و آل او آنچه
کشتیهای جاری در دریا فرو پوشیده یعنی بجا رغامر ظلمانی که اسباب غرق و تباہی و غفلت و ضلالت و تباہی
میشد و اگر کشتی رستگاری نباشد هیچکس نجات نخواهد یافت این باشد هر کس در کشتی جای کند و غرق گردد هر
کس و کند روش هر کس از ایشان پیشی خواهد مارق و مزید ماند و هر کس پس افتد نا چیز و باطل شود و هر کس در
خدمت ایشان ملازمت و رزق بحقیقت و سلامت و بدایت پیوسته کرد و خداوند رحمت فرست بر محمد و آل محمد که هفت
صدین و پناه گاه استوارترین و فریادرس در مانده و چاره و بجا کر نجات گاه ترسندگان و نگاه دارنده
اعتصام جویندگان است خداوند رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمتی فراوان و طیب که اسباب خوشنودی ایشان
و ادای حق محمد و آل محمد و قضاء بقدرت از سوی نو و توانائی وقت باشد ای پروردگار جهانیان خداوند رحمت فرست
محمد و آل محمد پاکان نیکو کاران چنان که واجب گردانیدی برای ایشان حقوق ایشان را یعنی دای حق و قضا
بر آفریدگان واجب نمودی و ملازم ساختی طاعت زبان و دوستی ایشان را خداوند رحمت فرست بر محمد و آل محمد
و آباء ان کن دل ما بغیر از برای خودت و مرا بمحضیت بودت دستخوش خیزی و بنوائی مدار و روزی گردان
بمواسات و رزیدن با آنکه روزی شرا بروی تک فرموده آنچه دوست و آبروین رنسل خود و پسین کردی برین
عدل خود و زنده داشته مرا در زیر سایه خود و اینما پیغمبر تو بزرگ فرستادگان است رحمت آبی تو را و سستیجا
او با دانه شجائیکه مخوف دانستی او را بر رحمت در رضوان خود آنگاه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله کوشش میفرمود در
صیام و قیام آن در شبها و روزهای آن برای فروتنی در حضرت تو در کرامی دشمن آن و بزرگ شمردن بنکام
فرد آمدن مرک او و انجام او ای سجدای یاری کن با بر اینک در اینما بسنت پیغمبر کار کنیم و ثبانش در حضرت خود
شویم خداوند او را بگردان برای من شفاعت کنند که شفاعتش پذیرفته باشد و طریقی وسیع و برکشاوه بخت تو
و مراتب و بیرو آن فرمای تا کایسکه در روز قیامت ملاقات نایم ترا کایسکه از من رخصی را از معاصی من درگذراند ای
رحمت و رضوان خود در برای من واجب گردانیده و در سزای قرار و آرام و جایگاه یکان فرود آورده باشی
ار حضرت ابی سبده سلام الله علیه مروست که امام زین العابدین علیه السلام در شهر رمضان مبارک خربت
و تسبیح و استغفار و کبیر کلم نمیفرمود و چون اظهار بسکر و غرض میبود اللهم ان شئت ان تفعل فعلک بخدا
اگر بخواهی کاری بسای و خدایتی بسدول فرانی چنان سیسلی و این کلام معجز نظام بر کمال معرفت و تسلیم فرست
درضای کامل و نهایت تفویض دلالتی بزرگ دارد در کتاب اصول کافی مروست که چون ماه مبارک فرا
رسیدی علی بن بحیر علیا السلام باین دعای مبارک در تمامت یوم رمضان ببا کند ای سجدای
اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَ هَذَا شَهْرُ الْفِيْءِ وَ هَذَا شَهْرُ الْاَبَابَةِ وَ سَدَّ شَهْرُ التَّوْبَةِ وَ هَذَا
شَهْرُ الْغَفْرِ وَ الرَّحْمَةِ وَ هَذَا شَهْرُ الْعِيْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ اللَّهُمَّ فَسَلِّ لِي وَ لِسَائِرِ مَنِي وَ
اَعْنِي عَلَيْهِ بِافْضَلِ عَوْنِكَ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَ فَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَ دُعَائِكَ وَ بِلَاوِي
كِتَابِكَ وَ اعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَهَ وَ احْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ وَ اصْحَحْ لِي فِيهِ بَدَنِي وَ اَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي
وَ اَكْفِنِي فِيهِ مَا اَهْتَبْتَنِي وَ اسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي وَ بَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي فِيهِ الشَّعْرَ

در این ماه مبارک
دعا و استغفار
و تسبیح

رَبِّ دَوْمِ اَزْ كِتَابِ مَشْكُوهُ لِادْبِ نَاصِرِي

از حضرت امام
برای دعا

وَالْعَقْلَ وَالنَّامَةَ وَالْفَهْمَ وَالْقِسْوَةَ وَالْعَقْلَةَ وَالْعِزَّةَ اللَّهُمَّ جَبْنِي فِيهِ الْعِلْمَ وَالْإِسْمَةَ وَالْمُهَيَّبَةَ
وَالْأَحْزَانَ وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ وَالْأَخْطَايَا وَالذُّنُوبَ وَأَصْرِفْ عَنِّي فِيهِ الشُّوْءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ
وَالنَّعَبَ وَالْعَنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَرِّمْهُ وَلَمْزُهُ وَتَفْتِنِهِ وَتَفْخِرِهِ
وَسُوْأِيهِ وَكَيْدِهِ وَمَكِيدِهِ وَحِيلِهِ وَأَمَانِيهِ وَخَدَائِعِهِ وَخُرُورِهِ وَفِتْنِيهِ وَرَجْلِيهِ وَسَهْوَتِهِ وَأَعْوَابِيهِ وَأَبْيَابِيهِ
وَأَخْرَابِيهِ وَأَنْبِيَاعِيهِ وَأَوْلِيَاءِيهِ وَسُرَكَائِيهِ وَجَمْعِ كَيْدِيهِمُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَمَامَ صِيَامِيهِ وَبَلُوْغَ الْعَمَلِ
فِي فَيَامِيهِ وَاسْتِكْمَالَ مَا يَرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَإِيمَانًا وَبِقِيَابًا وَأَحْسَنَ مَا رَقِبْتَ مِمَّا ذَكَرْتُ بِأَلْضَعْفِ
الْكِبَرِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِيَابَةَ وَالنُّوْبَ
وَالنُّوْفَى وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ وَالْجَمْعَ وَالنَّخْوَةَ وَالزُّقُوعَ وَالزُّقُوعَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَحْلَ مِنْ بَيِّنَاتِ
وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالتَّقْدِيرَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنِّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
السُّؤْلِ وَمَرْفُوعَ الْعَمَلِ وَسُجُودَ الدُّعَاءِ وَالْإِجْتِهَادَ وَالنُّوْبَ مِنْ ذَلِكَ بَعْرِي وَلَا مَرَضِي
وَالْأَعْمَرَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در زمان معاد این دعا می شرافت نماید با آنکه تفاوتی در کلمات در دست
این حدیث با صوفی و سحر می باشد
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْتِم لِي فِيهِ
أَسْأَلُ مَا تَقْبَلُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَعْطَى أَوْلِيَاءَكَ الْمُفْرَبِينَ مِنَ الْعَقْدِ
وَالْعَفْرِفَةِ وَالنَّحْنِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْعَفْرِفَةِ الْإِسْمَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمَعَاوَةَ وَالْعِوْمَ مِنَ النَّارِ
وَالسُّؤْلِ وَالنَّجْمِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ لِيكَ
وَاصِلًا وَرَحْمَتِكَ وَتَمِيمًا لِي فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلًا فِيهِ سَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ
مَغْفُورًا سَيِّئِي يَكُونُ تَنْبِيئِي فِيهِ الْأَكْبَرَ وَحَطِي فِيهِ الْأَوْفَرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَقَسْبِي فِيهِ بِإِذْنِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ نَحْبُ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَ
أَرْضَائِي لَكَ تَمَّ اجْعَلْ مَا لِي خَيْرًا مِنْ الْفِشْهِرِ وَارْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِنْ بَلْعَتِهِ
إِيَّاهَا وَأَكْثَرَهُ بِهَا وَاجْعَلْ فِيهَا مِنْ عُنُقَاتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطَلْفَاتِكَ مِنَ النَّارِ وَسَعْدَاءَ خَلْقِكَ
مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي فِي شَهْرِنَا هَذَا
الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا نَحْبُ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ رَبِّ الْعَجْرِ وَلِيَالِ عَشِيرَةِ وَالشَّيْبِ
وَالْوَرِ وَرَبِّ شَهْرِ مِضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَرَبِّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ
وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُفْرَبِينَ وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ مُوسَى وَعِيسَى
وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالرُّسُلِينَ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلِّ عَلَيْكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
وَاسْأَلْكَ بِحَقِّهِ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَالرَّبِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
وَنظَرْتُ إِلَى نَظْرَةٍ رَحِيمَةٍ تَرْضَى بِهَا عَنِّي وَرَضِي لَأَسْخَطَ بَعْدَهُ عَلَى أَمْدًا وَأَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ
سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَأَمْنِيَّتِي وَإِرَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا أَلَزَمَهُ وَأَحْذَرْتُ أَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَا

شهر

احوال حضرت سید الساجدين عليه السلام

اخاف وعن اهلي ومالي واخواني واخواني وذريتي اللهم اليك فردينا من ذنوبنا فانا قاطبين وتبت
 علينا مستغفرينا واعف لنا منعوذين واعيدنا مستجبرين واجرنا مستسلمين ولا تحزن لنا زاهبين وامنا
 راغبين وشفيقنا سائلين واعطينا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق
 من سئل العبد ربه ولم يسئل العباد مثلك كرها وجودا ايا موضع شكوى لسائلين وبامسئله حاجه
 الراغبين وباغيات المستغنين وباجيب دعوة المضطرين وباملجأ الهاربين وباصبر نوح السخطين
 وبأوت المستضعفين وبكاسف كرب الكافرين وبافارج قيم المهومين وبكاشف لكرب العظيم
 يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وال محمد واعف لي ذنوبي وعبوبي واسألي
 وظلتي وجرمي واسراني على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واعف عني
 واعف لي كلما سلف من ذنوبي واعصمني فيما يحي من عمري واسر علي وعلى والدي وولدي
 وقرابي واهل حراتي ومن كان مني نسيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والاخرة فان ذلك كله
 بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا ترد يدتي الى محرمي حتى تفعل
 ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سئلتك وتريدني من فضلك فانا على كل شيء قدير ونحن اليك
 راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك باسمك
 بسيد الله الرحمن الرحيم ان كنت فضلت في هذه الليلة نزل الملائكة والروح فيها ان
 تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
 احبائي في عليين واسألتني مغفورة وان تهب لي بقينا تباشير به فليح يا ايماننا لا يشوبه شك و
 رضا بما قسمت لي وانتي في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وفتي عذاب النار وان لم تكن
 فضلت في هذه الليلة نزل الملائكة والروح فيها فاخبرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك و
 شكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل على محمد وال محمد يا فضل صلوا انك يا ارحم الراحمين
 يا احد يا احد يا رب محمد وال محمد اغضبك لبوء محمد ولا يزال عذابه واقبل عداة هم بددا و
 احصهم عددا ولا تدع على ظهرا الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصبي يا خليفة
 النبيين انت ارحم الراحمين البدني البديع الذي ليس كسبيله سبي والدايم غير الغافل و
 المحي الذي لا يموت انت كل يوم في شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد و
 اسئلك ان تنصروصوي محمد وخليفة محمد والقائم بالفسطاط من اوصياء محمد صلوا انك
 عليك وعليهم اعطيت عليهم نصرك بالاله الا انت بحق لا اله الا انت صل على محمد وال
 محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة واجعل غافيه امري لي عفتك ورحمتك يا ارحم
 الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطيف بل انك لطيف فصل على محمد وال
 محمد والطف لي بك لطيف لائشاء اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة
 في عامنا هذا وفي كل عام ونطول على جميع حوائجي للدنيا والاخرة بسره وفضلتك

قال الشيخ
 الساجدي رحمه الله
 في ذلك من كلامه
 في السجدة الثانية
 يا ساجد ساجد
 صلح الجاري في كل الايام
 او صلى الله عليه وآله
 لا يحول ارضون ان
 ربح امرنا في كل
 ما

ربع دوم از کتاب تسکوه الابدان

محمد و آل محمد آنچه به بندگان صالح و اولیای مقرب خود را رحمت و مغفرت و تخمین و عطف و اجابت و آمرزش بختی و عافیت و گذشت و آزادی از آتش و بیروزی بخت و خیر دنیا و آخرت نصیب فرموده است بهره یاب فرمای ای خدای رحمت فرست بر محمد و آل محمد و دعوات مرا به پیشگاه رحمت اجابت خود و اصل رحمت و خیر خود را بر من نازل عاقل برادران ما مبارک متقبل و سی بر پیشگاه کنه مرا مغفور و نصیب سبب و خطا و فریبه در ساز ای خدای رحمت فرست بر همه آل محمد و برادران ما مبارک ایله القدر و به نیت علی که تو دوست داری که اولیای تو بر حال باشند نایل فرمائی و ثواب اجر این شب را از هزار راه برای من بهتر گردان و به برترین کرامت و آزادی از جهنم و رسیدگی از آتش مرزوق و در زمره سعاد آفریدگان خود شاد کام فرمای آنچه رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برادران ما بلکه شش در عبادات و قوت و ثبات و آنچه ترا محبوب و در معنی است مرزوق به ایا پرورد روز و شبهای دو کانی پروردگار بخت و صاف و پروردگار شهر زمانه این از قرآن که فرستادی آران و پروردگار جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و جلا فرشته نگان مغرب و پروردگار بر سیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار موسی و علی و عیسی و پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد خاتم پیغمبران صلوات علیه و علیهم و جمیع قبائل و سبب میام ترا بحق ایشان بر تو و بحق عظیم تو بر ایشان که بر محمد و آل محمد و ایشان در و در بهرستی و با من بنظر زنت و چشم رضا و خوشنودی از آن پس بوقت سخط و غضب و آن نباشد نظر فرمائی و نمانت آرزو و آمان آید ترا آنچه تو استم با من عطا فرمائی و از آنچه کفر دارم و بر نفس خویش بیناک هستم و از آنچه غیر اسم یعنی خود با من عالم نیست و از آنچه با من نامی بستم مرا و اهل و عیال و مال و برادران و خواهران و فرزندان و دزیت مرا باز داری ای خدای جانان و ذنوب خود بخیرت تو گردان هستم پس با بحالت توبت و قبول توبت و استغفار و آمرزش پناه و جای ده و مرا مغفول فرمائی و این بگردان که تویی زود اجابت کننده و دعوات را شنونده خدا یا تویی پروردگار من و منم بنده تو و بنده بهی شایسته است که از حضرت پروردگار خود خواستار شود که کریم و جواد است ایمنه مشکوای خواهند گان و ای پایان حاجت رغبت کنند گان و ای فریاد رس فریاد خوانان و ای محیب دعوت بیچارگان و ای پناه ترسندگان ای فریاد رس خروشنندگان و ای پروردگاران توانان و ای دفع گن و اندوه بزرگ ای خداوند بخشنده و ای آمرزنده هر جان رحمت فرست بر محمد و آل محمد و پیامرنگان و معایب و مسائی و ظلم و جرم و اسراف مرا بر نفس من و فضل و رحمت خود را بمن روزی فرمائی چه عزیز تو مالک فضل و رحمت و دارنده فرونی و غایت نیست و در گن از من از جمله گناهان برگزیده من و نگاه دار مرا در پیش عمر من و پوشش بر من و پدر و مادر و فرزندان و خویشاوندان اهل و عیال هر کس با من ایستی و حق است از خویش و مؤمنان در دنیا و آخرت چه این جمله در دست قدرت و غایت تو است و تویی واسع المغفرة پس بی بهره دارم او باز گردان دعای مرا آنچه در حضرت تو مسئلت کرده ام با اجابت مقرون فرمائی ای خدای مخصوصت تا نامهای نیکو و صفات طیب و بزرگی و نعمت های از چند خواستار بشوم بنام کرامی تو بسم الله الرحمن الرحیم اگر تو حکم فرموده در این شب که روح و ملائکه نازل کردند که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و در این شب نام مرا در زمره سعاد روح مرا با شهیدان و اعیان برادر و قریب و گمان و اسادت مرا با آمرزش گردانی و مرا بهیمنی که قلب من بآن بها شر باشد و ایما نیکه با پیش شکت و در شب شوی نماند و خوشنودی آنچه از بر من خواسته و حسنه دنیا و آخرت و آسایش از آتش نایل داری و اگر در این شب نزل ملائکه در روح را مقرر فرمودی پس مرا زنده بدات نام این فضل نایل کردم و مرا بگردشکر و طاعت و حسن عبادت خود در این شب

احوال حضرت سید الساجدین علیه السلام

۱۱۵

مرزوق فرمای و با فضل صلوات خودت بر محمد و آل محمد و در دست ای بهترین رحم کنندگان و اعدای محمد و آل محمد از روی زمین برهن کن و با تش غضب خود فرسایش ده و بسپوقت ایشانرا بمنفرت و آمرزش و آمرزش همه بخلیغیر آن توانی بهترین رحم کنندگان و توانی پدید آورنده آفریدگان پیش از آنکه هیچ چیز پدید باشد ای بدی که هیچ چیز نیست و در آنیکه از هیچ چیزش نخلت نیست و زنده که هرگز دستخوش مرگ نشود بهمانا تو بهر روزی در کار و شانی باشی تو خلیفه محمد و ناصر محمد و فروغی بخشایند محمدی از تو خواستار بشوم که وصتی محمد و خلیفه محمد و قائم بعد از قطار از اوسینا محمد صلواتک علیهم اجمعین باری فرمائی ایخدای رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مراد دنیا و آخرت با ایشان محشور بدار پیمان امر را با مرزش خویش مقرون گردان چه خود را لطیف خواندی و لطیف هستی پس چنانکه شاید برین مطلق کار کن ایخدای درود فرست بر محمد و آل محمد و روزی نام را با قاست حج و عمره در اینسال دیگر سایان و به قضای تمامت جان من در دنیا و آخرت بر من احسان فرمائی و بطول عمر و دست رزق داد ای امانت و دین من و حفظ و صراست از هر چه با نایل کن و بسی مشکوره و ذنب مغفور و حج مبرور و سلامتی از خلیفات و سنیات موفق و بر خور و ادب دارا پروردگار حلیه عالمها و عالمیان و صلی الله علی محمد و آل و سلم چون دعوات ما نوره از حضرت امام زین العابدین علیه السلام بر آن از آنچه در صحیفه کامله مبارکه سجاده مرفوم است علی نهج الاستطاعت و الاسکان در این کتاب مستطاب مذکور می شود تا جهت جامعیت را جامع باشد لهذا دعای مبارکه مشهوره ^{شریفه} نامی ابو حمزه ثمالی علیه الرحمه که ابو حمزه از بخت روایت کرده است بمناسب مقام در اینجا که ر می شود در کتب و تفسیر شیخ طوسی رحمه الله علیه و دیگران از آن بوی

ثمالی ما ثور است که حضرت امام زین العابدین سلام الله علیه

در لیالی شنبه که شهر رمضان المبارک اکثر شبها

دُعَاءُ ابُو نَبَا مِسْكَد زَائِد و سحر کاهان این دعای

جلیل را قرات می فرمود

اللّٰهُ لَا تُؤَدِّبُنِي بِعِقَابِكَ وَلَا تُنَكِّهْنِي فِي جِلْدِكَ مِنْ آيِنِّي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوحِدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ
وَمِنْ آيِنِّي الْجَاءُ وَلَا اسْتِطَاءُ إِلَّا بِكَ لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتِغْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَوَعْمَلِكَ وَلَا الَّذِي
أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُؤْنِكْ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ انْجِدْ بَكُوْبِدَانِمْسِ فُطْع
شُود بِيكَ عَرَفْتِكَ وَأَنْتَ دَلِّلْنِي عَلَى كَيْفِكَ وَدَعْوَتِي إِلَيْكَ وَلَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي دَعَوَهُ بِحَبِيْبِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيْنًا حِينْ يَدْعُوْنِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَلَّهُ فَيُعْطِيْنِي وَ
إِنْ كُنْتُ بَخِيْلًا حِينْ كَيْسَقِرْ ضَيْفِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُوْبِي
حَيْثُ شِئْتُ لِيْرِي بِغَيْرِ شَفِيْعٍ يَقِيْنُوْبِي لِحَاجَتِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي دَعَوُهُ وَلَا أَدْعُوْغَيْرَهُ وَلَوْ
دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِيْ دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَرْجُوْهُ وَلَا أَرْجُوْغَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ
لَاخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَكَلَّنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّنُوْنِي
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَجَبَّ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَجَلَّ عَنِّي حَتَّى كَانِي لِأَذْنَبِي
فَرِيْبِي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِمُجْدِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً

أحوال خیر الساجدين علیه السلام

۱۱۶

وَسَاهِلِ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُنْعَةً وَالْإِسْتِغَاةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّاكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ
لِلضَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلزَّاجِحِينَ بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَ
أَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا عَنْ مَنَعَ الْبَاطِلِينَ وَمَسَدُ وَحَدِّ عَمَّا
فِي أَيِّدِ الْمُسْتَازِحِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجُّ عَنْ خَلْقِكَ
إِلَّا أَنْ تَحْتَجَّهُمْ الْأَمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي
وَجَعَلْتُكَ إِسْتِغَاةً لِي وَبِدْعَاتِكَ تَوَسَّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِإِسْمَاعِكَ مِنِّي وَلَا
اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ مِنِّي بَلْ لِقَبْتِي بِكَرَمِكَ وَسَكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَجَأْتِي إِلَى الْأَيْمَانِ
بِتَوْجِيدِكَ وَيَقِينِي بِعَرْفِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لِاسْتِغَاةِ
اللَّهِ أَنْتَ الْفَاعِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَعَدُّكَ صِدْقٌ وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
بِكْرَمِ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَتَّانُ
بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ إِلَهِي رَبِّتَنِي فِي نِعْمِكَ وَ
لِحَسَانِكَ صَغِيرًا وَتَوَهَّتَ بِإِسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَفَضْلِهِ وَرَبِّعِهِ
وَإِشَارَتِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلَّتْنِي عَلَيْكَ وَجَبَّتْ لَكَ شَفِيعِي
لِلَّيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي
بَلِيَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ أَنْجِحْ بَقِيَّةَ قَدَاوَتِهِ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ
رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِحًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَعِنْتُ فَإِنْ
عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٌ وَإِنْ عَدَبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْمَتِي عَلَى مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِنِّي لَنْ
مَا زَكَّرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ وَعَدَّتِي فِي سِدْقِي مَعَ قَلْبِي حَيَاتِي مِنْكَ رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ
وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تُخَيِّبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُسِيئِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ
دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجِعٌ عَظُمَ يَا سَيِّدِي مَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ
بِمِقْدَارِ مَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِإِسْوَاءِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجْلُ عَنْ مَجَازَاهِ الْمَذْنِبِينَ وَ
حِلْمِكَ يَكْبُرُ عَنْ مَكَايِدِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ
مُسْتَجِيرٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ
وَصَدِّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي بِسِرِّكَ وَأَعْفُ عَنْ تَوَسُّعِي بِكَرَمِكَ وَجْهَكَ فَلَوْ اطَّلَعَ
الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتَهُ وَلَوْ خِفْتُ تَعْيِلَ الْعُقُوبَةِ لِاجْتِنَابِهِ لَأَلَانَتْكَ أَهْوَى
التَّائِبِينَ إِلَيَّ وَأَخْفَ الْمُطَّلِعِينَ عَلَيَّ بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ الشَّارِحِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ
وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَتَارَ الْعُيُوبِ غَفَارَ الذُّنُوبِ عَلَامَ الْعُيُوبِ كَشْرَ الذُّنُوبِ بِكَرَمِكَ وَتَوَخَّرَ
الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَكَأَنَّكَ أَلْحَدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عَمَلِكَ وَعَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَحِلْمِي وَجُحْرِي
عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي إِلَى فِئَةِ الْحَيَاءِ سَتْرِكَ عَلَيَّ وَيُسِرُّ عَنِّي إِلَى التَّوْبَةِ عَلَيَّ

رَبِّ دَوْمِ اَزْ كِتَابِ شَكْوَةِ اَلْاَدْبَارِ

١١٧

تَحَارِمِكَ مَعْرِفِي لِسَعْدِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرُ الذَّنْبِ يَا
 قَابِلُ التَّوْبِ يَا عَظِيمُ الْمَنِّ يَا قَدِيمُ الْاِحْسَانِ اَيُّ سَرِّكَ الْجَمِيْلُ اَيُّ عَفْوِكَ الْجَمِيْلُ اَيُّ فَرْحِكَ
 الْقَرِيْبُ اَيُّ غِيَاثِكَ الشَّرِيْحُ اَيُّ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ اَيُّ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ اَيُّ مَوَاهِبِكَ الْمُهَيَّبَةُ اَيُّ
 صَنَائِعِكَ السَّنِيَّةُ اَيُّ فَضْلِكَ الْعَظِيْمُ اَيُّ مَنِّكَ الْجَمِيْمُ اَيُّ اِحْسَانِكَ الْقَدِيْمُ اَيُّ كَرَمِكَ يَا كَرِيْمُ يَا
 مُجِدِّ وَالِ مُحَمَّدٍ فَاَسْتَفِيْدُنِي وَيَرْحَمْنِكَ فَخَلِّصْنِي يَا حَسْبُنَا بِجَمَلٍ يَا مُنْعِمٌ يَا مُفْضِلٌ لَسْنَا تَكِلُ
 فِي الْبَحْثِ مِنَ عَفَايِكَ عَلٰى اَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِاَنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ
 بُدِيْ بِالْاِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعَفُّوْعِنِ الذَّنْبِ كَرَمًا فَمَا نَدْرِي مَا لَشَكَرُ اَجِيْلٌ مَا لَشُكْرُ
 اُمِّ قَبِيْحٍ مَا لَشُكْرُ اُمِّ عَظِيْمٍ مَا اَبْلَيْتَ وَاَوْلَيْتَ اُمٌّ كَثِيْرًا مِمَّنْ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيْبُ مَنْ
 نَجَّيْتَ لِيْكَ وَيَا قَرِيْبَةً عَيْنٍ مِنْ لَدُنْكَ وَانْقَطَعَ لِيْكَ اَنْتَ الْحَسْبُ وَنَحْنُ الْمُسِيْرُونَ فَجَاوِزْ
 يَا رَبِّ عَنِّيْ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيْلٍ مَا عِنْدَكَ وَاَيُّ جَهْلِ يَارَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ وَاَيُّ زَمَانٍ
 اطُوْلُ مِنْ اَنَّا نَكُ وَمَا قَدْرُ اَعْمَالِنَا فِيْ جَنَبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ تَكْتَسِرُ اَعْمَالُنَا لِقَابِلِ بِهَا كَرَمَتِكَ بَلْ
 كَيْفَ يَضِيْقُ عَلٰى الْمَذْنِبِيْنَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطُ الْيَدِيْنَ
 بِالرَّحْمَةِ قُوْعَرِيْكَ يَا سَيِّدِيْ لَوْ اَشْهَرْتَنِيْ مَا رَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَن تَمَلُّقِكَ
 لِمَا اَنْتَ هٰى اِلَيْهِ مِنَ الْعَرَفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَاَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا اَنْتَا تُعَذِّبُ مِنْ تَشَاءُ بِمَا اَنْتَا
 كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مِنْ تَشَاءُ بِمَا اَنْتَا كَيْفَ تَشَاءُ وَلَا تَسْتَلُ عَن فِعْلِكَ وَلَا تَنْتَازِعُ فِي مَلِكِكَ
 وَلَا تَشَارِكُ فِيْ اَمْرِكَ وَلَا يَضَادُّ فِيْ حَكْمِكَ وَلَا يَعْزِضُ عَايِكَ اَحَدٌ فِيْ تَدْبِيْرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ
 تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَدُنْكَ وَاسْتَجَار بِكَرَمِكَ وَالْفَاحِشَانِ وَ
 نِعْمِكَ وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِيْ لَا يَضِيْقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا يَنْقِلُ رَحْمَتُكَ وَقَدْ
 تَوَقَّعْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيْمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيْمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ اَفْرَاكَ يَا رَبِّ تَخْلِفُ
 ظَنُوْنَا اَوْ نَحْتَبُ مَا اَنْتَا كَلَّا يَا كَرِيْمُ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ وَلَا هَذَا طَبْعُنَا بِكَ يَا رَبِّ لَنْ
 لَنَا فِيْكَ اَمَّا طَوِيْلًا كَثِيْرًا اِنَّ لَنَا فِيْكَ رَجَاءً عَظِيْمًا عَصِيْدَانَا وَنَحْنُ نَرْجُوْا اَنْ لَسْتُمْ عَلَيْنَا
 وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُوْا اَنْ تَسْتَجِيْبَ لَنَا فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا يَا مَوْلَانَا فَضدْ عَلَيْنَا مَا اَسْتَوْجِبُ بِاَعْمَالِنَا
 وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِيْنَا وَعَلِمْنَا بِاَنَّكَ لَا تُصْرِفُنَا عَنْكَ حَتّٰى عَلٰى الرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَاِنْ كُنَّا غَيْرُ مُسْتَوْجِبِيْنَ
 رَحْمَتِكَ فَانْتَ اَهْلٌ اَنْ تَجُوْدَ عَلَيْنَا وَعَلٰى الْمَذْنِبِيْنَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَاَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ
 وَجُدْ عَلَيْنَا فَاِنَّا نَحْتَاجُ جُوْنَ اِلَيْ سَبِيْلِكَ يَا خَفَاةَ بُيُوْرِكَ اَمْنَدِيْنَا وَبِفَضْلِكَ اَسْتَعِيْنُنَا وَ
 بِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْنَا وَاَمْسَيْنَا ذُنُوْبًا بِيْنَ يَدَيْكَ لَسْتَغْفِرُكَ اللهُ مِنْهَا وَنُوبًا اِلَيْكَ نَحْتَبُ اِلَيْنَا
 بِالنِّعَمِ وَنُعَاوِضُكَ بِالذُّنُوْبِ خَيْرُكَ اِلَيْنَا نَازِلٌ وَسُرُّا لِيْكَ صَاعِدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ
 مَلِكٌ كَرِيْمٌ يَا بَيْتُكَ عَنَّا فِيْ كُلِّ يَوْمٍ بِعَمَلٍ مَبِيْحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ اَنْ تَحُوْطَنَا بِنِعْمَتِكَ وَتَفْضَلُ
 عَلَيْنَا بِالْاِنَّكَ قَسْبَانَا مَا اَحَامَكَ وَاَعْظَمَكَ وَاَكْرَمَكَ مُبْدِيْنَا وَمُعِيْدُنَا تَمَدِّدْنَا بِاَسْمَائِكَ

أحوال حضرت سيد الساجدين عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

وَجَلَّ شَأْنُكَ وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفَعَالَكَ وَأَنْتَ الْهَيَّ أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُفَاسِيَنِي
بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي فَأَلْفَعُوا الْعَفْوَ الْعَفْوَ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَ
أَعِدْنَا مِنْ تَخَطُّكَ وَأَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَ
ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرَيْكَ وَالْأُمَّةَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ
وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفِقًا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ
اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَارْحَمْهُمَا كَارِبَتَانِي صَغِيرًا وَأَجْرِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ
غُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ
بِالْخَيْرِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ حِينًا وَمَيِّتًا وَشَاهِدًا وَغَائِبًا ذَكَرْنَا وَإِنَّا نَا صَغِيرًا وَكَبِيرًا حَرْنَا
وَمَمْلُوكًا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ صَلَوَاتُكَ لِأَبْعَدًا وَخَيْرٌ وَأَخْسَرْنَا اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخْسِمْ لِي بِحَيْرٍ وَكَفَيْ مَا أَهَمَّتْني مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تَسْلُطْ
عَلَيَّ مِنْ لَأِيْرَحْمَتِي وَأَجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جَنَّةً وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ
عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا لَطِيْبًا اللَّهُمَّ احْرُسْنِي حِرَاسَتِكَ وَاحْضَنْطِنِي
بِحَفِظَتِكَ وَآكِلَانِي بِكِلَابَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ
قَبْرَيْكَ وَالْأُمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ وَلَا تَخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الشَّاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْوَاقِعِ الْكَرِيمِ
اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ وَالْهَيْبَتِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَبَدًا
مَا أَقْبَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي كَلِمَاتُكَ فِدَتُكَ رَقِيتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ
نَاجَيْتُكَ أَلَيْتُ عَلَيَّ تَعَاْسًا إِذَا نَاصَلَيْتُ وَسَلَبْتَنِي مِنْهَا جَانِكَ إِذَا نَاجَيْتُكَ مَا لِي كُلَّمَا
فَلْتُ فَدَ صِلْتُ سَهْرِي رُبِّي وَقَرَّبْتَنِي مِنْ جَالِسِ النَّوَابِيْنِ مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ أَرَاكَ فِدَتِي
وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي
أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَحْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَفَلَيْتَنِي أَوْ
لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِيْنَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِعِمَائِكَ فَحَسَبْتَنِي
أَوْ لَعَلَّكَ فَفَدْتَنِي فِي مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فِي الْغَائِلِيْنَ فَمِنْ رَمَى بِي أَيْسَتَنِي
أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي الْفَجَّالِيْنَ الْبَطَالِيْنَ فَبَيْتَنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَوْ تَمَجُّبْتُ أَنْ تَسْمَعَ
دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِحُرْمَتِي وَجَرِيْرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِفِيْلِهِ حَيَاتِي مِنْكَ
جَارَيْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُدْنِيِيْنَ فَبَيْتِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّي جَبَلْتُ
عَنْ مَجَازَاهِ الْمُدْنِيِيْنَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مَكَافَاتِ الْمُفْضِرِيْنَ وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ
مِنْكَ إِلَيْكَ سُخْرٍ مَا وَعَدْتَنِي مِنَ الصَّفْحِ عَنْ أَحْسَنَ بَيْتِنَا الْهَيَّ أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ
حِلْمًا مِنْ أَنْ تُفَاسِيَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَرْزِنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي
هَبْنِي بِفَضْلِكَ يَا سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّتَنِي بِسِرِّكَ وَأَعْفُ عَنْ بَعْضِي

بسم الله الرحمن الرحيم

رَأَيْتَنِي

كبره

رَبِّعُ دَوْمِ ارْكَتَابِ شَكْوَةِ لَادِي نَاصِرِي

١١٩

مَكْرَمِ رَجْهِكَ سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّبْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَأَنَا الضَّالُّ
الَّذِي هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَّنْتَهُ وَأَنَا الْجَائِعُ الَّذِي
أَشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ
وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي
أَعْطَيْتَهُ وَالْمَذْنُوبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَالخَاطِئُ الَّذِي أَفْلَحْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَ
الْمُسْتَضَعْفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوَيْتَهُ فَكَأَنَّ الْحَمْدُ وَأَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ
أَسْخِكْ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَافِكْ فِي الْمَلَأِ أَفَ صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا الَّذِي عَلَى
سَيِّدِهِ إِجْرَةٌ أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي عَطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرَّشِي
أَنَا الَّذِي جِئْتُ بِبِرِّتُهَا حَرْجًا لِيهَا سَعَى أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتُنِي فَمَا أَرَعَوَيْتُ وَسَتَرْتُ عَلَيَّ
فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمَّكَ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالِيكَ فَجَلَبِكْ أَمَهَلْتُنِي
وَبَسْرَكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَانَتْ أَغْفَلْتَنِي وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَانَتْ اسْتَحْيَيْتَنِي
إِلَى لَوْ أَعْصَيْتُ جَنِّ عَصِيَّتِكَ وَأَنَا بَرُّ بُوَيْبِكَ جَاحِدٌ وَلَا بَأْمِرَكَ مُسْتَحْفٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ
مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ وَلَكِنْ خَطِيئَةٌ عُرِضْتُ وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَغَلَبَتْنِي هَوَايَ وَأَغَانِي عَلَيَّ
شِقْوَتِي وَعَزَّنِي سِرُّكَ الْمُرْحَى عَلَيَّ فَفَدَّ عَصِيَّتِكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي فَأَلَانَ مِنْ عَذَابِكَ
مَنْ يَسْتَفْذِنِي وَمِنْ يَدِي الْخُصْمَاءَ خَدَّاسٌ مُخْلِصُنِي وَجَبَلِي مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ جَبَلَكَ
عَنِّي فَوَاسُوا أَنَا عَلَى مَا أَحْضَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ
رَحْمَتِكَ وَتَهْنِكَ أَيَّامِي عَنِ الْقُنُوطِ لَفَطَيْتُ عِنْدَ مَا أَذْكَرَهَا بِأَخِيرِ مَنْ دَعَاهُ نَادِي وَأَفْضَلَ
مَنْ رَجَاهُ رَاجِحٌ اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أُنَوِّسُ إِلَيْكَ وَبِحِرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ
عَلَيْكَ وَبِحَبِيئَتِي لِتَنِي الْأَتِي الْقُرْشِيَّةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْعَرَبِيَّةِ النَّهَاشِيَّةِ الْمَكِّيَّةِ الْمَدِينِيَّةِ صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِ وَالْإِرْجَوَالِ زَلْفَةَ كَدِّكَ فَلَا تُوحِشْ أَسْتِينَا سَائِمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ
عَبَدَ سِوَاكَ فَإِنَّ قَوْمًا أَمَنُوا بِالسَّنَنِ لِيَحْقِقُوا بِهِ دِمَائِهِمْ فَأَذْرَكُوا بِنَا أَمَلُوا وَأَنَا أَمَّا بِنَا بِالسَّنَا
وَقُلُوبِنَا لِعَفْوَعَتَا فَادْرِكْ بِنَا مَا أَمَلْنَا وَتَبَّتْ رَجَاءُكَ فِي صُدُورِنَا وَلَا تُرْغِ قُلُوبِنَا بَعْدَ إِذْ
هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِزُّكَ لَوْ أَنَّهُ زَنِي مَا بَرِحْتَ مِنْ بَابِكَ
وَلَا كَفَيْتَ عَنْ تَمْلُوكِ لِيَا إِلَهِي قَلْبِي مِنَ الْعَرَفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَدُ هَبُّ الْعَبْدِ
لَا إِلَى مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِفِهِ إِلَهِي لَوْ قَرَّبْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي
سَبِيكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَدَلَّكَ عَلَى قَضَائِي عِيُونَ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَنِي بِإِلَى النَّارِ وَحَلَّتْ
بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْوَابِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتَ وَجْهَ نَائِمِي لِلْعَفْوَعَتِكَ وَلَا
خَرَجَ حُجَّتِكَ عَنْ قَلْبِي أَنَا الْإِنْسِيُّ أَنَا دِيمُكَ وَسَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا يَا سَيِّدِي صَلِّ
عَلَى إِيْمَانِي وَالْإِسْمَاءِ وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَالْخَيْرِ تَكْ

احوال حضرت سید الساجدين عليه السلام

مِنْ خَلْفِكَ وَخَاتَمِ الْيَقِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْفَلَتْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَ
 أَعْنَى بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمُرِي وَقَدْ تَزَكَّ مِنْكَ الْأَلْبَابُ مِنْ
 خَيْرِ مَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنْفَيْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِ لَمَامَهْدَةَ لِرَفْدِي وَلَوْ أَفْرَسْتَهُ
 بِالْعَمَلِ الْإِنْسَانِي لَضَعَعْتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَارَى نَفْسِي تَخَارِعْتِي
 وَأَبَايَ تَحْتَالِي وَقَدْ خَفَفْتَ عِنْدَ فَوْقِ رَأْسِي أَجْحِخَةَ الْوَيْلِ قَالِي لَا أَبْكِي أَبْكِي
 مَخْرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِي رِيَايَ
 أَبْكِي لِمَخْرُوجِي مِنْ قَبْرِي عَرَبًا نَادِيًا حَامِلًا يَفْطِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَآخَرَ
 عَنْ شِمَالِي إِذَا تَخَلَّاتُ فِي شَانِ غَيْرِ شَانِي لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَانٌ يَغْنِيهِ
 وَجْهُ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرٌ ضَاكِكٌ مُسْتَبْشِرٌ وَجْهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا عِبْرَةٌ رَهَقَهَا قَرَّةٌ وَذَلَّةٌ
 سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعْوَلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تَصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ
 نَشَاءُ وَتَهْدِي بِكِرَامَتِكَ مَنْ يَحِبُّ فَكَانَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَفَيْتُ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي وَلَكِنَّا لَمَجْلُوعُونَ عَلَى لِسَانِ
 لِسَانِي أَقْبَلِنَا فِي هَذَا الْكَلَامِ الشُّكْرُكَ أَنْ يَغَايِبَ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَّرَ لِي سَانِي
 يَارَبِّ فِي حُبِّ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَلَيَّ فِي حُبِّ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ لِأَنَّ جُودَكَ تَبَسَّطَ إِلَيْهِ
 وَشُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَمِنْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ تَأْمِينِي وَقَدْ سَأَلْتَنِي
 إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاجِدِي عَكْفُ هَيْبَتِي وَفِي عِنْدِكَ انْبَسَطَتْ غَنِيَّتِي وَكَانَ خَالِصُ
 رَجَائِي وَخَوْفِي وَبِكَ أَنْتَ تَحْتَجِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ سَيِّدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي
 يَا مَوْلَايَ بَلِّغْ لِي عَاشِرَ قَلْبِي وَمِمَّا جَانِبَكَ بَرَدْتُ الْوَالْحَقُّ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
 سُؤْلِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنَ الرُّؤْيِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا اسْتَلَّكَ
 لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فَيْكَ وَخَوْفِي إِلَيْكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي وَجَّهَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّافِعِ وَالرَّاهِقِ
 وَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضِكَ وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لِكُنُوزِكَ
 يَارَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي وَرَحْمَتِي إِذَا انْفَطَعَتْ حُجَّتِي وَكُلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ
 إِبَائِي لِي يَا عَظِيمَ رَجَائِي وَلَا تَحْبِسْنِي إِذَا اسْتَدَدْتُ فَاغْتِي إِلَيْكَ وَلَا تَرُدَّنِي بِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي
 لِفِلْأِ صَبْرِي وَأَعْطِنِي لِفَقْرِي وَأَرْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمَعْوَلِي
 وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفِيئَاتِكَ أَحْطَرَّ حَلِي وَبِحُودِكَ أَقْصَدُ طَلِبِي وَ
 بِكِرْمَتِكَ أَيُّ دَبِّ اسْتَيْفَعُ دُعَائِي وَلَدَيْكَ أَرْجُو جَبْرَ فَاغْتِي وَبِعِيَانِكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتِ طَلِبِي
 عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ وَكِرْمَتِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرِفَتِكَ أَدِيمُ نَظْرِي فَلَا تَحْرِمْنِي
 بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسْكِنِي الْهَابِوِيَةَ فَإِنَّكَ قَرَّةٌ عَيْنِي يَا سَيِّدِي لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرِفَتِكَ
 فَإِنَّكَ تَفْتِي وَرَجَائِي وَلَا تَحْرِمْنِي تَوَابِكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَى أَجَلِي وَ
 لَوْ يَفْرِي بِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَتَدَجَعَلْنَا لِأَعْرَافِنَا مِنْكَ بِذَنْبِي سَأَلْتُ عَلَى إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى